

فتور

شماره دو

نشریه الکترونیکی | ویژه ماه شعبان

اردیبهشت ماه ۱۳۹۶ | ۱۰۳ صفحه

ستاد اقامه نماز



تهیه و تنظیم

روابط عمومی و امور استان ها | ستاد اقامه نماز



تهیه شده در: روابط عمومی و امور استان ها | ستاد اقامه نماز

طراح گرافیک و صفحه آرایی: سیدعلی حسینی (۰۹۱۹۳۵۸۱۷۹۰)

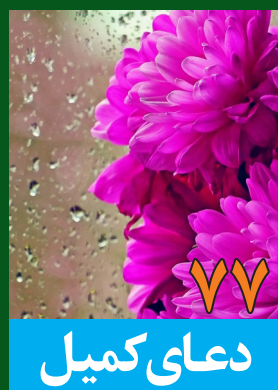
نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان قدس، نبش خیابان ایتالیا، پلاک ۹۸

راه‌های ارتباطی: تلفن: ۸۸۹۹۶۱۵۰ | تلفکس: ۸۸۹۹۵۱۳۹ | سامانه پیامکی: ۱۰۰۰۰۱۷

آدرس سایت: www.namaz.ir | کانال تلگرام: @namaz_ir

• نشر و استفاده از مطالب نشریه قنوت در راستای ترویج فرهنگ متعالی اسلام بلامانع می باشد.

با کلیک روی تصاویر به صفحه مورد نظر منتقل شوید...



توصیه‌های رهبری





• رابطه خودتان را با خدا به وسیله دعا تقویت کنید

به خدا توکل کنید. از خدای متعال توفیق بخواهید. رابطه‌تان را روز به روز با معنویت و خدای متعال تقویت کنید. مبادا اشتغالات کاری، شمارا از ذکر و توجه و پرداختن به معنویات بازدارد! یعنی یکی از خطرهای این است که در عمل زندگی غرق بشویم و از آن ارتباط قلبی خودمان غافل بمانیم. آن چیزی که پشتوانه‌ی نشاط و شور و شوق و تحرک و توفیق ماست، کمک الهی است. کمک الهی را باید به معنای واقعی کلمه از خدا خواست و از خدا طلب کرد. هم باید نعمت الهی را - نعمت این مسئولیت و این توفیق خدمتی که به شما داده - شکر کرد و هم این که ازدیاد و دوام و استمرار آن را از خدای متعال طلب کرد و خواست.

لذا این احتیاج دارد به توجه؛ این ایام ماه شعبان را مغتنم بشمارید. در این صلوات شریف ظهرهای می‌خوانید:



«الذی کان رسول الله ﷺ یدأب فی صیامه و قیامه فی لیالیه و ایامه بخوع الیک فی اکرامه و اعظامه الی محلّ حمامه»؛

یعنی پیغمبر تا لحظه ی مرگ هم ماه شعبان و روزها و شب های شعبان را گرامی می داشتند و همه ی شعبان ها در زندگی آن بزرگوار این طور بود؛ که بعد در همین صلوات می خوانید:

«اللهم فأعنا علی الاستئان بسنته فیه ونیل الشفاعة لده»؛

سنت این بزرگوار را در این ماه ان شاء الله ادامه بدهید؛ توجه، دعا، ذکر و آماده شدن برای ورود در ماه مبارک رمضان.

• بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۶/۰۶/۰۴

• حقیقتاً زدل، بازبان مناجات با خدا حرف بزنید

شاید در ماه شعبان، بتوانیم با ذخیره ای که از این ماه گرفته ایم، آن مناجات پرسوز و گداز و پر مضمون را با نفس حقیقی بخوانیم - نه فقط



الفاظ آن را مرور کنیم - و حقیقتاً از دل، بازبان آن مناجات با خدا حرف بزنیم، و اگران شاء الله این همه فراهم شد، در ماه رمضان، آماده ی ورود بر سر سفره ی ضیافت الهی شویم و در اوج قله ی آن ماه، شایسته ی ورود به لیلۃ القدر گردیم.

شما برادران عزیز، جزو بهترین کسانی هستید که می توانید از این سفره ی انعام الهی که در ماه های رجب و شعبان و رمضان گسترده است، استفاده کنید. علت این است که در این میدان، آن که تلاش بیشتری می کند؛ آن که طهارت و صداقت بیشتری برای خود ذخیره می کند و آن که کار بیشتری در مقابل برداشت کم تر ارائه می دهد، مقرب تر و موفق تر است. او بیشتر محل تالؤ انوار الهی قرار می گیرد.

• بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی ۱۳۷۱/۱۰/۲۳

• بادعای کمیل و مناجات شعبانیه مانوس بشوید

این مناجات شعبانیه را ببینید. من یک وقتی از امام رحمۃ اللہ علیہ پرسیدم در این





دعاهای مأثوری که وجود دارد، شما کدام دعا را بیشتر از همه خوشتان می آید و دوست دارید. فرمودند: دعای کمیل و مناجات شعبانیه. اتفاقاً هر دو دعاهم مال ماه شعبان است؛ دعای کمیل که می دانید اصلاً ورود اصلی اش مال شب نیمه ی شعبان است، مناجات شعبانیه هم که از ائمه نقل شده، متعلق به ماه شعبان است. لحن این دو دعا به هم نزدیک است؛ هر دو عاشقانه است. در مناجات شعبانیه:

«إِنْ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ أَعْلَمْتُ»

جهنم هم که من را ببری، فریاد می کشم تو را دوست دارم. و در دعای کمیل: «لَئِنْ تَرَكْتَنِي نَاطِقًا لَّأَضِجَنَّ إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِهَا ضَجِيجَ الْأَمْلِينَ وَلَا صُرْحَنَّ إِلَيْكَ صُرَاخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ وَلَا بُكِينَ عَلَىكَ بُكَاءَ الْفَاقِدِينَ»؛

اگر به من در جهنم اجازه بدهی و نطق را از من نگیری، فریاد می کشم؛ فریاد امیدواران، فریاد دلدادگان و فریاد دلباختگان را.





باید با این‌ها مانوس بشویم و قدری دلمان را نرم کنیم. این دل چیز عجیبی است؛ گاهی اوقات به وسیله‌ی بی که انسان را به اوج آسمان‌ها و اوج معنویت می‌برد، تبدیل می‌شود؛ گاهی هم بعکس، به سنگ سنگینی تبدیل می‌شود که بسته شده به پای انسان و انسان را تا اعماق آب، تا اعماق دره فرو می‌برد؛ غرق می‌کند؛ پدر انسان را درمی‌آورد. اگر دل را به پول و به شهوت جنسی و به مقام و به این چیزها دادید، این همان سنگ سنگین است؛ دل دیگر نیست.

• بیانات در دیدار وزیر و مدیران وزارت اطلاعات ۱۳/۰۷/۱۳۸۳

توصیه‌های قرائتی





• راه کار پُر بار شدن ماه شعبان و ماه رمضان

سه ماه رجب، شعبان و رمضان از ماه های دیگر برجسته است. در این سه ماه، ماه رمضان برجسته است و در ماه رمضان شب قدر برجسته است. ماه رجب مقدمه ای برای ماه شعبان و ماه شعبان مقدمه ای برای ماه رمضان است.

شب نیمه شعبان بعد از شب قدر، از بهترین شب ها است. حدیث داریم که اگر کسی در شب نیمه شعبان تا صبح نخوابد و احیاء بگیرد، وقتی همه ی مردم خواب شان می گیرد، دل او بیدار است. پس اجر بیداری در نیمه ی شعبان، بیداری دل است. دعای کمیل را باید در شب نیمه شعبان خواند.

ولادت امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرْجَةَ الشَّرِيفِ در حد شکلات و چراغانی نیست البته این ها پوست کار است. باید مغزو پوسته دانه را با هم کاشت تا دانه جوانه بزند. باید چراغانی در کنار شناخت عمیق امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرْجَةَ الشَّرِيفِ باشد. افراد حقه بازی



هستند که خودشان را وصل به امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ می دانند و از افرادی که پوسته هستند و مغز ندارند، سوء استفاده می کنند. بهائیت از همین جا شروع شد. ما باید دین مان را از فقیه بگیریم. باید مبنای حرف های ما قرآنی باشد.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «اگر حرفی شنیدید از ما پیرسید که ریشه ی قرآنی دارد یا خیر».

حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در جمله ای می فرماید که: «فتنه ها از سلیقه ها پیدا می شود».

یعنی وقتی فتنه ها می خواهد شروع بشود باید چیزی اضافه بشود. اگر شما یک دقیقه قبل از اذان مغرب، افطار کنید روزه تان باطل می شود.

ما باید اسلام را بشناسیم. و با اسلام شناس مشورت کنیم. اسلام شناس کسی است که که بالای سی سال در حوزه درس خوانده باشد و بی هوس



باشد. ما باید حرف ها را از اسلام شناس بشنویم.

مانباید به زمان های ظهور که مردم می گویند توجه نکنیم. بعضی می گویند که وقتی دنیا پر از ظلم شد، امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ ظهور می کند. پس بهتر است که ما هم ظلم کنیم تا دنیا پر از ظلم بشود.

در جواب باید گفت: «وقتی دنیا پر از ظلم شد امام می آید، نه وقتی که همه ی مردم ظالم شدند. ممکن است که ظلم دنیا را فرا بگیرد ولی بیشتر مردم عادل باشند».

مثلا می گویند که چطور می شود که امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ عمر طولانی دارد. قرآن می فرماید: پیامبری سوار الاغی بود و از روستای خرابه ای می گذشت، او گفت: خدایا چطور این ها را زنده می کنی؟ خدا بلافاصله جان پیامبر و الاغش را گرفت. بعد از صد سال خدا آن پیامبر را زنده کرد و پیامبر فکر کرد که یک روز این جا بوده است .



خدا به پیامبر فرمود که می‌خواهم جلوی چشم‌ت را زنده کنم، غذایت هم تغییر پیدا نکرده است. غذای آن پیامبر در عرض یک سال خراب نشده بود. غذا در عرض یک هفته خراب می‌شود ولی این غذا پنج هزار و دویست برابر عمر کرده بود.

امام زمان هزار و دویست سال عمر دارد. این مدت زمان زیادی نیست. زیرا حدوداً شانزده برابر عمر طبیعی (۷۰-۸۰) است.

عمر مثل حرکت است. موی سر هر ماه یک سانت حرکت می‌کند، ولی نور در هر ثانیه چندین کیلومتر حرکت می‌کند. کسی نمی‌تواند بگوید که حرکت باید چقدر باشد. حرکت می‌تواند تندتر یا کندتر باشد.

خوب است که شب نیمه‌ی شعبان را با عبادت احیاء بگیریم.

تماشای بازی فوتبال مثل نگاه کردن به پول‌های بانک است که سودی به حال شما ندارد...

فضیلت ماه شعبان





● مقدمه

شعبان ماه بسیار شریف و با عظمتی است که به حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سرور پیامبران منسوب است. این ماه منزلگاهی از منازل سیر روحانی انسان است. انسان های بیدار و صاحبان سیر و سلوک با بهره گیری از فوائد ماه شعبان و نشستن بر سفره های گسترده رحمت و سعادت قرب و بندگی خداوند وارد می شوند. در شرافت این ماه همین بس که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آن را برای خویش برگزیده و برای کسی که او را در روزه ی این ماه اعانت کند دعا نموده است:

«شعبان شهری، رحم الله من اعانني على شهری».

آن حضرت این ماه را روزه می گرفت و به ماه رمضان وصل می کرد و می فرمود:

«شعبان ماه من است و هر کس یک روز از ماه مرا روزه بدارد، بهشت براو



واجب است».

صفوان پسر مهران جمال گفت: امام صادق علیه السلام به من دستور داد اهالی ناحیه ام را بر روزه ماه شعبان تشویق کنم. گفتم: فدایت شوم در این روزه چیزی می بینی؟ فرمود: بله. رسول الله صلی الله علیه و آله پیوسته هنگامی که هلال شعبان را می دید دستور می داد منادی ای در مدینه ندا دهد: «ای اهل یثرب همانا من رسول خدا به سوی شما هستم، آگاه باشید که شعبان ماه من است پس خدا رحمت کند کسی را که مرا بر ما هم یاری کند».

سپس امام صادق علیه السلام فرمود: امیر المؤمنین علی علیه السلام هم همیشه می فرمود:

«از زمانی که ندای منادی رسول خدا صلی الله علیه و آله در شعبان را شنیدم روزه شعبان از من فوت نشد و هرگز در طول زندگی ام نیز روزه شعبان ان شاء الله از من فوت نمی شود...»



• جایگاه روز اول ماه شعبان

پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرموده اند: «چون روز اول شعبان می شود ابلیس لشکر خود را به اطراف و کرانه های زمین می پراکند و به آن ها می گوید سعی کنید در این روز برخی از بندگان خدا را به سوی خود جذب کنید. در مقابل، خدای عز و جل نیز فرشتگان را در اطراف زمین و آفاق آن ارسال می کند و به آنها می فرماید بندگان مرا حفاظت و ارشاد کنید تا همه آنها به دست شما نیکبخت و رستگار شوند مگر آنانی که امتناع و سرکشی می کنند؛ چنین کسانی از مرز عبور کرده و وارد حزب ابلیس و جنود او می شوند.

وقتی روز اول شعبان از راه می رسد خداوند به درهای بهشت امر می کند باز شوند و به درخت طوبا دستور می دهد که شاخه هایش را به دنیا نزدیک کند. آنگاه منادی ای از جانب پروردگار عز و جل ندا می دهد: ای بندگان خدا این شاخه های درخت طوبا است در آنها درآویزید تا شما را به سوی



بهشت بالا برد و این شاخه‌های درخت زقوم است؛ از آن‌ها درآویزید تا شما را به سوی بهشت بالا برد و این شاخه‌های درخت زقوم است؛ از آنها بترسید تا شما را به سوی دوزخ نکشانند.

رسول خدا در ادامه فرمود: قسم به آن که به راستی مرا به رسالت مبعوث نموده است هر کس در این روز دری از خیر و نیکی به روی بگشاید، در واقع به شاخه‌ای از شاخه‌های درخت طوبادراویخته و آن وی را به سوی بهشت کشاند و هر کس دری از شر بر خود وا کند در واقع به شاخه‌ای از شاخه‌های درخت زقوم درآویخته است و آن وی را به سوی جهنم می‌کشاند آنگاه حضرت نمونه‌هایی از کارهای خیر و شر را بیان نموده است که از بیان آن صرف نظر می‌کنیم.

• اعمال ماه شعبان

ماه معظم شعبان که دوازده ورود به ماه بزرگ رمضان، ماه خداوند است



فرصت بسیار ویژه و معنوی برای انجام انواع عبادت و اعمال عبادی است. در این بخش به اهم اعمال عبادی ماه شعبان اشاره می شود:

● **نماز:** نماز که ستون دین و بهترین عمل است، در اسلام از جایگاه والایی برخوردار است. پیامبر اسلام و ائمه معصومین علیهم السلام به مناسبت های مختلف دستور داده اند که نمازهایی به جا آورده شود. از جمله نمازهای فراوانی برای ماه شعبان و شب ها و روزهای آن وارد شده است.

بیان تک تک نمازهای مستحب در ماه شعبان از حوصله این مقاله بیرون است و تنها به یادآوری چند نماز برای شب اول شعبان بسنده می شود:

● پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس در شب اول شعبان صد رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت فاتحة الكتاب بخواند یک بار و قل هو الله یک بار؛ پس از فراغت از نماز فاتحه را پنجاه بار بخواند. به آن کسی که مرا به حق به پیامبری فرستاده است سوگند، وقتی بنده ای این نماز را بخواند و روزه بگیرد [روز



اول را [خداوند از او شر ساکنان آسمان و شر ساکنان زمین و شیطان ها و پادشاهان را دفع می کند و هفتاد هزار گناه کبیره اش را می آمرزد و عذاب قبر را از او برمی دارد و منکر و نکیر او را نمی ترسانند، در حالی که چهره اش مانند شب چهارده می درخشد از قبر برمی خیزد و مانند برق از صراط عبور می کند و نامه عملش به دست راستش داده می شود.

● حضرتش همچنین فرمود: هر کس در شب اول شعبان دوازده رکعت نماز بگذارد در هر رکعت «فاتحه الكتاب» بخواند و پانزده مرتبه «قل هو الله احد» را بخواند خداوند متعال ثواب ده هزار شهید به او می دهد و برای او عبادت دوازده سال نوشته می شود و از گناهانش بیرون می آید مانند روزی که از مادر زاده شده است و خداوند در مقابل هر آیه ای که در قرآن است به او قصری در بهشت عطا می کند.

● **روزه:** از اعمال بسیار با اهمیت در ماه شعبان «روزه» است. شایسته است



هر مسلمانی مناسب حال و شرایط خود روزهایی از این ماه را روزه بدارد افضل آن است که اگر مانعی نیست هر روزش، غیر از یک یا دو روز آخرش را روزه بدارد تا با افطار میان شعبان و ماه رمضان فاصله اندازد. بنابراین زیبنده است که آن قدر روزه بگیرد که در دعوت مقدس رسول خدا به اعانت داخل گردد و این بایک روز و دو روز احتمالاً صادق نمی باشد.

روایات درباره اهمیت روزه این ماه پر شمار است که به ذکر روایتی از امام صادق علیه السلام بسنده می شود:

«هر کس روز اول ماه شعبان را روزه بدارد بهشت برایش واجب است و هر کس دو روز را روزه بدارد خداوند هر روز و هر شب در زندگی دنیا به او نظر می کند و نظرش در بهشت هم ادامه می یابد و هر کس سه روز را روزه باشد خداوند را در عرش و بهشتش هر روز زیارت می کند».

• **دعا و مناجات:** دعا که مخ عبادت و سلاح مؤمن است در فرهنگ



اسلامی از جایگاه بس والایی برخوردار است. در سیره پیامبر و جانشینان معصوم او علیهم السّلام دعا‌های زیاد برای مناسبت‌های مختلف وارد شده است. از دعا‌های والا و پراز مضامین عرفانی، مناجات شعبانیه است که مناجات امام علی علیه السلام و ائمه علیهم السلام در ماه شعبان است. این دعا نزد صاحبان روحیه دعا و مناجات نیز بسیار گرانقدر و ارزشمند است. اینان به خاطر این مناجات با ماه شعبان انس ویژه‌ای دارند و مشتاقانه برای آمدن ماه شعبان انتظار می‌کشند.

این مناجات آسمانی حاوی دانش‌های ملکوتی فراوانی است که نحوه معامله بندگان با خداوند را به صاحبان جان‌های مشتاق می‌آموزاند. این دعا راه کارهای گوناگون دعا، گدایی، آمرزش خواهی و راز و نیاز با خداوند را آموزش می‌دهد. در این مناجات راهنمایی‌های صریح و بدیعی برای رسیدن به لقاء الله و تقرب و نظر به او وجود دارد که از سالکان راه، شبهه زدایی می‌کند.



شک و شبهه‌های منکران را جواب می‌گوید و وحشت شکاکان را برطرف می‌سازد. محتوای واقعی این مناجات، ارشاد به شناخت نفس انسان است که معرفت آن همان راه شناخت پروردگار بزرگ است.

• **صلوات:** از اعمال پربار ماه شعبان صلواتی است که هنگام زوال هرروز و نیمه هر شب ماه خوانده می‌شود. این دعا با «اللهم صل علی محمد و آل محمد شجرة النبوه» آغاز می‌شود و آموزه‌های فراوانی در باب شناخت اهل بیت علیهم‌السلام دربردارد. صلوات‌های دیگری نیز برای ماه شعبان وارد شده است که در کتب دعا آمده است.

• **صدقه:** از کارهای پرسود و نوع دوستانه در این ماه بزرگ دادن صدقه است. پیشوایان معصوم علیهم‌السلام پیروان خود را به این عمل خداپسندانه ترغیب کرده‌اند.



• **آمرزش خواهی (استغفار):** حسن بن علی بن فضال می گوید: از علی بن موسی الرضا علیه السلام شنیدم که می فرمود: «هر کس از خداوند تبارک و تعالی در ماه شعبان طلب آمرزش کند و هفتاد مرتبه استغفار کند، خداوند گناهانش را و لوبه اندازه تعداد ستارگان باشد می آمرزد». همچنین ذکر استغفار در هر روز ماه شعبان مستحب است...

• **ذکر «لا اله الا الله»:** مرحوم سید بن طاووس می گوید در کتاب های عبادات یافتیم که پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «هر کس در ماه شعبان هزار مرتبه [ذکر فوق] را بگوید خداوند برای او عبادت هزار سال را می نویسد و گناهان هزار سال از او محو می شود و از قبر روز قیامت بیرون می آید در حالی که مانند شب بدر درخشش دارد و نزد خداوند صدیق نوشته می شود».

• **سجده:** از اعمال پرفائده در ماه شعبان سجده کردن است؛ خصوصا سجده در شب نیمه شعبان با دعاهای ویژه. در بعضی از این دعاها به



مراتب سه گانه وجود انسان تصریح شده است. «سجد لک سوادى، و خیالی و بیاضی» این فقره از دعا مانند نص است برای عالم محسوس انسان که از ماده و مقدار تشکیل شده است و عالم مثال او که از صورت و روح ترکیب شده است و عالم حقیقی انسان که انسان بودن انسان به آن است. عالم حقیقی بشری یعنی حقیقت جان انسان همان است و آن همان عالمی است که نه صورتی در آن است و نه ماده ای و آن همان عالم لطیف ربانی است که هر کس آن را شناخت در واقع پروردگارش را شناخته است.

• فضیلت روزهای پنجشنبه: روزهای پنجشنبه در ماه شعبان از موقعیت

عبادی و معنوی خاصی برخوردار است و نماز، روزه و عبادت در آن جایگاه ویژه ای دارد. امام علی علیه السلام از رسول خدا سخن شگفتی را درباره روزهای پنجشنبه ماه شعبان نقل می کند: «در هر پنجشنبه از ماه شعبان آسمان ها تزئین می شود؛ فرشتگان می گویند: معبود ما روزه گیرانش را بیامرزد و دعاهایشان را اجابت کن. پس هر کس در آن دو رکعت نماز بگذارد و در هر



رکعت «فاتحه» را یک بار و «قل هو الله» را صد مرتبه بخواند پس هنگامی که سلام گفت بر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ صد مرتبه صلوات بفرستد. هر حاجتی از امر دین و دنیایش را خداوند برمی آورد و هر کس در آن (پنج شنبه) یک روز را روزه بگیرد خداوند جسدش را بر آتش حرام می کند.

• **زیارت امام حسین عليه السلام**: زیارت آن حضرت در روز و شب سوم شعبان و نیمه شعبان استجاب دارد.

• **تقرب به امام زمان عَجَلُ اللهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ**: از اعمال مهم ماه شعبان، تقرب به حضرت حجة بن الحسن العسكري، ولی امر و ناموس اکبر و امام زمان است. آن حضرت که صاحب غیبت الهی و دعوت نبوی و وارث پیامبران و خاتم اوصیاء مظهر بزرگ عدل الهی و برپا کننده پرچم های هدایت و نابود کننده ستمکاران و منکران حقیقت است در نیمه این ماه متولد شده است و شایسته است در این ماه به آن حضرت پناهنده شده، برای تعجیل در



ظهور حضرتش دعا کنیم.

• ماه شعبان و میلاد امامان عليهم السلام

یکی از ویژگی‌های ماه بزرگ شعبان، تولد انسان‌های بزرگ در این ماه است که این ماه را ماه شادمانی و خوشحالی پیروان و محبان اهل بیت عصمت و طهارت قرار داده است. برخی از پیشوایان معصوم و شخصیت‌های برجسته در این ماه دیده به جهان گشوده‌اند.

• امام حسین عليه السلام

روز سوم شعبان میلاد امام حسین عليه السلام است. سوم شعبان به دلیل مولود عزیزی که در آن متولد شده است از شرافت فراوانی برخوردار است. بر شیعیان و دوستان آن حضرت شایسته است برای شکرگزاری این نعمت بزرگ و چراغ هدایت و کشتی نجات، روزه، زیارت و دعا‌های وارده در این روز را به جا آورند.



• ابوالفضل العباس عليه السلام

علمدار شجاع و برادر باوفای ابا عبد الله که الگوی ایثارگران و جانبازی است، بنا بر قول مشهور در روز چهارم شعبان متولد شده است.

• امام سجاد عليه السلام

علی بن الحسین عليه السلام نیز بنا بر نقلی در روز پنجم شعبان در کتب معتبره ادعیه درباره تولد این دو شخصیت فاخر عالم اسلام در ماه شعبان ذکری به میان نیامده است. از آنجا که در تقویم رسمی کشور ما تولد آن دو بزرگوار در ماه شعبان آمده. مانیز یادی از آن ها نموده ایم و محققان محترم می توانند در این باره تحقیق و نظر خود را برای تحکیم یا تصحیح بیان نمایند.

• امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

دوازدهمین امام شیعه، منجی عالم بشریت، دادگستر جهانی حضرت



مهدی عليه السلام در روز پانزدهم شعبان سال ۵۵۲ هدر خانه نورانی امام حسن عسکری در سامرا متولد شده است. از همین رو، شب و روز نیمه شعبان، شرافت و قداست ویژه ای دارد و برکات فراوانی به همراه آورده است. شب و روز نیمه شعبان از ابعاد فراوانی اهمیت است که اهم آن ها عبارت است از:

• **شب نیمه شعبان از شب های قدر:** این شب از جمله شب های قدر ذکر شده است که در آن روزی ها و اجل های مردم تقسیم می گردد. اخبار مستفیض (نزدیک به متواتر) برای این امر دلالت دارد.

بنابر محتوای برخی از روایات، خداوند متعال این شب را برای ائمه عليهم السلام ما شب قدر قرار داده است. چنانکه شب های قدر ماه مبارک رمضان را برای پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داده است.

• **احیا و شب زنده داری:** شب پانزدهم شعبان از وقت های مقدسی است که بر احیا و بیدار بودن در آن تأکید زیادی شده است. برای این شب



اعمال و عبادات فاخری نیز تعیین شده که می‌توان گفت درباره هیچ شبی از شب‌های سال مثل آن یا بیش از آن نیامده است.

• **نمازهای ویژه:** برای این شب نمازهای خاصی تشریح شده است. خصوصاً نماز صد رکعتی با هزار «قل هو الله احد» در اهمیت این شب همین بس است که رسول خدا فرموده است: در شب نیمه شعبان خوابیده بودم که جبرئیل نزد من آمد و فرمود: ای محمد در این شب می‌خوابی؟! گفتم: یا جبرئیل مگر این شب چه شبی است؟ گفت: شب نیمه شعبان است. برخیز ای محمد.

او مرا از خواب بیدار کرد و با خود به «بقیع» برد. سپس به من گفت: سرت را بلند کن زیرا که در این شب درهای آسمان گشوده می‌شود و درهای رحمت، رضوان، مغفرت، فضل، توبه، نعمت، جود و احسان نیز باز می‌گردد. در این شب خداوند به اندازه موها و کرک‌های حیوانات، بندگان خود را آزاد می‌کند. در این شب اجل‌ها ثبت می‌شود و روزی یک سال



تقسیم می‌گردد.

همچنین اموری که در یک سال واقع می‌شود تعیین می‌گردد.

«ای محمد هر کس این شب را با تکبیر، تسبیح، تهلیل، دعا، نماز، قرائت و استغفار زنده بدارد بهشت جایگاه و اقامتگاه دائمی او است و خداوند گناهان گذشته و آینده او را می‌آمرزد».

• **زیارت امام حسین علیه السلام**: از اعمال مستحب این شب زیارت ابا عبد الله الحسین علیه السلام است. در این شب صد هزار پیامبر علاوه بر فرشتگان حضرت را در کربلا زیارت می‌کنند.

• جمع بندی و توصیه

ماه شعبان فرصت ویژه‌ای برای عبادت و بندگی خداوند است. انسان‌های شایسته و بندگان خوب خداوند با عبادت و ریاضت در این ماه جان و تن



خود را طهارت می دهند تا آماده ضیافت و مهمانی بزرگ خداوند در ماه مبارک رمضان شوند.

ماه شعبان شعبه های فراوانی از خیرات و زیبایی ها را بر روی انسان گرفتار تهاجم انواع امواج شیطانی در قرن معاصر می گشاید و درهای ملکوت آسمان و زمین را بر روی مشتاقان گشوده نگه می دارد تا افراد بتوانند با بهره گیری از برنامه های انسان ساز ارتقا یافته از حسیض حیوانیت به آسمان فرشتگی و انسانیت پرواز کنند. برنامه های سازنده ای که از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و جانشینان معصومش علیهم السلام مهندسی شده اند تنها راه نجات بشر از منجلاب شهوت و گناه و تاریکی هستند. در این ماه برنامه های سازنده فراوانی از سوی پیشوایان معصوم علیهم السلام ما ارائه شده است. از جمله نماز، دعا، روزه، تلاوت قرآن، صدقات، احسان به پدر و مادر و خویشان، اذکار، استغفار و...

خبر لکھو ان کتنے ہی منچک

شب نیمہ شعبان





• اشاره

امام زمان علیه السلام و حجت دوازدهمین شیعیان جهان، در شب نیمه شعبان چشم به جهان گشود. امید همه پیامبران علیهم السلام، اوصیاء و اولیاء الهی برای حکومت عدالت در گیتی، پا به عرصه جهان نهاد. نیمه شعبان خاطره انگیزترین و شادترین ایام سال، برای شیعیان است؛ در این روز افراد گوناگون و علاقه مندان به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، همه به گونه ای، شادمانی خود را ابراز داشته، به همدیگر این روز بسیار مهم را تبریک می گویند. در این شرایط بسیار زیبا، گردانندگان مجالس مذهبی، دچار سردگمی و بلاتکلیفی در نحوه اداره این مجالس اند؛ روحانیون و مدّاحان اهل بیت علیهم السلام که در بیان مصائب اهل بیت علیهم السلام ید طولائی دارند، در این ایام دچار مشکل گشته از روی ناچاری به رویه های مختلف و گاهی عجیب و غریب، روی می آورند و برخی به صراحت می گویند: «ما الگوی مناسبی برای مجالس شاد نداریم و نمی دانیم در این موقعیت ها چه باید کرد!»



از این رو بهتر است درباره این موضوع به برنامه‌ریزی روی آوریم و اکنون ما مقداری درباره این موضوع تأمل نموده البته قبل از ارائه چند نکاتی در این موضوع، مروری بر جایگاه نیمه شعبان در لسان روایات خواهیم داشت.

• نیمه شعبان و میلاد امام زمان علیه السلام

پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ ق روز میلاد منجی بشریت از گرداب‌های جهل و نادانی، ولی عصر امام زمان علیه السلام می‌باشد.

مرحوم کلینی نقل می‌کند: «امام زمان علیه السلام در نیمه ماه شعبان سال ۲۵۵ ق به دنیا آمدند.»

گروهی از بزرگان از حکیمه خاتون حدیثی را نقل می‌کنند که فرمود: شب نیمه شعبان بود... شنیدم امام عسکری علیه السلام می‌فرماید: «ای عمه‌ام! فرزندم را نزد من بیاور.» روپوش از او کنار زدم، دیدم او در حال سجده است و بردست راست حضرت نوشته بود «جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ



زَهُوقاً» او را در آغوش گرفتم، دیدم پاک و پاکیزه است. آنگاه در پارچه‌ای پیچیده نزد پدر بزرگوارش بردم. آنجا حضرت فرمود:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَأَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حَقًّا»

آنگاه بر همه ائمه درود فرستاد تا به خودش رسید، و برای دوستانش دعا نمود که خداوند با فرج او آنها را دل شاد گرداند، سپس چشم گشود.

تا آنجا که می‌گوید: مثل اینکه میان من و آقا، پرده‌ای آویختند به طوری که او را نمی‌دیدم، از پدرشان پرسیدم آقا! بچه چه شد؟ فرمود: آن کس که از تو و ما به او نزدیک تر است، او را برد.

در این روایت حکیمه می‌گوید: چون روز چهارم شد، به حضور امام حسن عسکری علیه السلام شرفیاب شدم، دیدم امام زمان علیه السلام در خانه راه می‌رود. صورتی نیکوتر از رخسار او و کلامی فصیح‌تر از گفتار او ندیدم. امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «عمه! این مولود پیش خدا بسیار عزیز است.» عرض



کردم: آقا آنچه باید ببینم از چهل روزه او می بینم. امام علیه السلام تبسمی کرد و فرمود: «عمه جان! نمی دانی که رشد یک روز ما ائمه برابر رشد یک ساله دیگران است؟» پس من برخاستم و سر آقا را بوسیدم و برگشتم، چون وقتی دیگر آمدم او را ندیدم! از امام علیه السلام جویا شدم فرمود: «او را به کسی سپردم که مادر موسی فرزند خود را به او سپرد.»

• نیمه ماه شعبان، شب پرستش

ماه شعبان با عظمت و بسیار ارزشمند است. در این ماه، شب نیمه شعبان از جایگاه ویژه ای برخوردار است؛ همان گونه که در شبهای ماه رمضان، شب قدر اهمیت فوق العاده ای دارد. در این شب با عظمت، عباداتی وارد شده که اکنون به مواردی می پردازیم:

• پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کنند که شب نیمه شعبان خواب بودم که جبرئیل نازل شد، به من گفت: ای محمد! آیا در چنین شبی می خوابی؟



سؤال کردم: مگر این شب چه شبی است؟ جبرئیل جواب داد: شب نیمه شعبان است ای محمد برخیز. او مرا بلند کرده با خود به بقیع برد، سپس گفت: سر بلند کن، این شبی است که درهای آسمان گشوده می شود؛ در نتیجه درهای رحمت، رضوان، مغفرت، فضل، توبه، نعمت، بخشش و احسان باز می شود....

• از امام رضا علیه السلام در مورد شب نیمه شعبان سؤال کردم، آن حضرت فرمودند: «شبی است که خداوند افراد را از آتش جهنم آزاد می کند و گناهان کبیره را می آمرزد». سؤال کردم: آیا نمازی علاوه بر نمازهای عادی شب های دیگر در این شب آمده است؟

فرمودند: «نمازواجبی وارد نشده؛ لیکن اگرخواستی مستحبی را به جا آوری، پس نماز جعفر ابن ابی طالب علیه السلام را بجا آور و زیاد کن یاد خدا و استغفار و دعاء را، به درستی که پدرم علیه السلام زیاد می فرمود: دعاء در شب نیمه شعبان مستجاب است».



• نیمه شعبان و شب زنده‌داری

پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «کسی که شب‌های عید فطر و نیمه ماه شعبان را احیاء بدارد، در روزی که قلب‌ها می‌میرند قلب او نمی‌میرد.»

از علی ابن موسی الرضا عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده که فرمود: «علی عَلَيْهِ السَّلَام همواره سه شب رانمی خوابید: شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان و شب عید فطر و شب نیمه شعبان و در این شب روزی‌ها تقسیم و اجل‌ها معلوم می‌گردد و مانند آن در سال نیست.»

و نیز در روایتی نقل شده: «امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام در شب‌های نیمه شعبان همه ما را جمع، سپس شب را سه قسمت می‌کرد؛ در یک بخش با ما نماز می‌خواند بعد از آن در بخش دیگر دعا می‌فرمود و ما آمین می‌گفتیم و در جزء آخر، استغفار می‌کرد و ما هم استغفار می‌کردیم و از خدا بهشت را طلب می‌کردیم تا طلوع صبح.»



زیارت امام حسین علیه السلام

یکی از اعمالی که در نیمه شعبان خیلی بر آن تأکید شده زیارت امام حسین علیه السلام است؛ ابی بصیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمودند: «کسی که دوست دارد با صد و بیست هزار پیامبر مصافحه کند، باید در نیمه شعبان قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کند؛ هر آینه ارواح پیامبران علیهم السلام از خداوند اجازه می‌خواهند که امام حسین علیه السلام را زیارت کنند و خداوند به آنان اجازه زیارت عنایت می‌فرماید.»

نیز از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «هنگامی که شب نیمه شعبان فرارسد، منادی از افق اعلیٰ ندا دهد: ای زائرین امام حسین علیه السلام برگردید در حالی که گناهانتان بخشیده و پاداش شما بر خدایتان و پیامبر صلی الله علیه و آله است.» در جای دیگر نیز از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: «کسی که در شب نیمه شعبان امام حسین علیه السلام را زیارت کند، خداوند گناهان گذشته و آینده او را می‌بخشد و کسی که آن حضرت را در روز عرفه زیارت کند خداوند



برای او هزار حج مقبول و هزار عمره مبرور می نویسد و کسی که در روز عاشورا آن بزرگوار را زیارت کند، مانند آن است که خداوند را بالای عرش زیارت کند.»

• پیشنهاد

با توجه به روایاتی که بیان شد و برخی از روایات دیگر و مواردی که در سیره معصومین علیهم السلام مطرح شده، می توان مواردی را جهت برنامه های نیمه شعبان، پیشنهاد کرد:

- بیان ویژگی ها و فضائل امام زمان علیه السلام با بیانی شاد و جذاب؛
- زمینه سازی برای تعمیق معرفت امام علیه السلام؛
- تربیت انسان های منتظر با ملزومات مناسب آن؛
- شب زنده داری به صورتی کاملاً متفاوت، بدون ذکر مصیبت؛ از باب نمونه می توان با الهام از امام سجاد علیه السلام، بخشی را به خواندن نماز، بخشی را به



دعاء دسته جمعی و بخشی را به استغفار اختصاص داد.

• برگزاری جلسات جشن و سرور با ملاک‌های دینی؛

• تقدیر از نیروهای فرهنگی مذهبی در اقصاء مختلف اجتماعی که دارای نخبگی هستند؛

• مدّاحی و بیان اشعار دقیق در فضائل اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام با صوت زیبا یا به صورت سرود؛

• اجرای نمایش‌های زیبا با ملاک‌های شرعی با مضامین دینی و یا براساس تاریخ اسلام.

دلنوشته مهدوی





• به امید بشارت وصل

خدایا، آتش حسرت بر جان و چشم به راه مانده ایم. رنجوریم و درمانده، با گرد یتیمی بر سرواندوه فراق درد دل، تورامی خوانیم به امید فرجی، گشایشی تا مزده وصل دهی و چشم مان را به دیدار مولود آسمانی ماه شعبان، تنها یاور مستضعفان و درماندگان، خورشید تابنده آسمان ولایت، مهدی موعود روشن کنی. خدایا، در فقدان پیامبر سوختیم.

در حرمان لحظه ای دیدار امامان گداختیم و هر بار به این تسلا ماندیم که او می آید و مرهم زخم دلمان می شود.

رحیما، مهربانا، پس کجاست آن تسلا ی دل ها، آن مرهم دردها، آن چراغ روشن هدایت و آن کشتی نجات است؟

عزیزا، دردمند و از سر سوز تورامی خوانیم که او را مزده ظهور و ما را بشارت وصل عنایت فرمایی.



• انتظار راستین

هر دم، دم از عشق و انتظار می‌زنیم و هر لحظه، اشک حسرت می‌ریزیم و آه فراق سر می‌دهیم؛ اما گاه غرق در دریای انتظار، از زلال شفا بخش آن غافل می‌مانیم و دل به تصویر مجازی دنیا خوش می‌کنیم.

خدایا، رحیما، عطش درونمان را در انتظار آمدن موعود فزونی بخش. یاری مان کن تا چون منتظری راستین خانه دل بیاراییم و مهیا شویم. مدد مان کن تا عاشق راستین آن خورشید هدایت باشیم. چنان کن که انتظار، چون او بودن را در ما جاری و ما را در دل به او نزدیک و نزدیک تر کند. لطیفا، به دیدارش بر ما منت نه و به رضایتش، به سعادت مان برسان.

• کی می‌شود که بیایی!

آقای خوبم! شب‌های جمعه که می‌شود بی اختیار دلم می‌گیرد. برای کمیل‌هایی که خوانده‌ام و از یاد برده‌ام. نخوانده‌ام و از یاد برده‌ام.



برای شب‌هایی که خود را برای ندبه‌های فردایش آماده می‌کردم و العجل
هایی که از ته دل نبود، دلم می‌گیرد.

مگر می‌شود از ته دل کسی را صدازد و آمدنش را خواست و گفت: «کی
می‌شود که بیایی» و او نیاید؟ ای کاش می‌شد در مشق هر شبمان ده بار
بنویسیم «ای دل، بخواه آمدنش را». آن وقت می‌شد بدون خواندن هم
آماده آمدنتان بود.

نه، دیگر به انتظارتان نمی‌نشینم. می‌دوم. به انتظار می‌دوم. می‌دانم مانع
رسیدن ما به شما یا بهتر بگوییم من به تو همین نشستن است و بان نشستن
این فاصله طولانی تر خواهد شد. دیگر به انتظارتان می‌دوم تا به شما برسم.
و خواهم رسید؛ می‌دانم، می‌دانم!

• دامن می‌تکانم از اندوه

مولا جان! تو مثل ماه در شب، تنهایی و مانند خورشید در روز. گفتم



خورشید، ابرهائی یادم آمد که به تنهائی ما و تو دامن می زند. ابرهائی که بارانشان دلتنگی ست و درد را در ما به بار می آورند. ابرهائی که عذاب مردم آخرالزمان شده اند.

قرار بود با یاد تو کام دوستانم را شیرین کنم. عید تو را به آنها شاد باش بگویم و یادشان بیاورم که تنهائی شان پایانی خوش دارد. قرار بود به دوستانم، که در سرمای تنهائی کز کرده اند، بگویم بهار در راه است.

کسی می آید که می تواند ورق زندگی مان را برگرداند و به دنیا سرو سامان بدهد. او حاصل مهربانی خداست. رودها زلالی را از او به ارث برده اند و ماه و خورشید نور را.

گفتم خورشید، دوباره ابرهای تیره آمدند و در مقابل چشمانم صف کشیدند. دست به زانو می گیرم و «یا علی» می گویم و بلند می شوم. دامن می تکانم از اندوه تا تنهائی ام را بشکنم. می دانم رخوت نباید در من پیله کند. نباید



دل به درد بسپارم. باید کوه باشم درمقابل سیل، سربلند و آرام و باشکوه.

بهانه‌زندگی!

گاهی برای گفتن بعضی از حرف‌ها فقط یک بهانه لازم است. روز میلادت، بهانه‌ای شد برای حرف زدن از تو. از تو که حقیقت پنهان در گلوآژه شعری. از تو که حجت خدا بر روی زمینی؛ حجتی که خدا در شب معراج به پیامبرش نشان داد.

امروز روز تولدت، بهانه‌ای شد برای حرف زدن از تو، از تو که روزی خواهی آمد، آن هم در روزگار قحط سالی عشق و ایمان و با قدم‌های سبز و بهاری ات جهان را اصلاح خواهی کرد.

• منجی موعود

جهان در تپش آمدنت به لرزه درآمد است. اهل زمین، ثانیه شمارهای



خویش را مرتب نگاه می‌کنند. یک منجی، فقط یک منجی است که می‌تواند جهان را از رنج و غم‌رهایی بخشد. درختان، گیسوان پریشان خویش را فصل به فصل به دست زمان می‌سپارند تا زردی و سرمای زندگی را به ساعت سرسبزی جوانه‌هایشان برسانند.

دل‌ها در غربت خاک‌گریبه و تن‌ها جان می‌دهند. ماهیانِ قلب‌ها خشک‌سالی محبت و مهربانی را تاب نمی‌آورند. چشم‌ها چشمه‌های خشکی شده‌اند که کمتر به اشک شوق می‌اندیشند که گریه‌های فراق آنان را امان نمی‌دهد. تشنگی بر اعماق و ریشه این دیار نفوذ کرده و تندیس‌ها، تاب‌ایستادن بیش از این را ندارند. کشتی‌های عدالت و انصاف در هیاهو به گل‌نشسته‌اند. همه چشم به نجات‌دهنده‌ای دوخته‌اند که دست‌های خالی و رها را بگیرد و از این فضای در حال سقوط نجات بخشد.

سخت است هر روز چشم‌بگشایی و خورشید را ببینی که طلوع کرده، بی‌آنکه خبری از آمدن تو آورده باشد. سخت است تا آخر هفته روز شماری



کنی و روز هفتم باز هم هیچکس را در آن سوی جاده نبینی. جاده های کشیده شده تا آن طرف انتظار چشم های خیره شده به روبه رو. پنجره های گشوده شده، فریادرسی رامی خواهد که خوابِ ستم و بی عدالتی را برآشوبد. سواری رامی خواهد که منتظرانش او را از پشت شیشه های به شوق آمده ببینند. یا مهدی! جهان تو رامی خواهد، ای منجی موعود.

• ایستاده ام به راهت!

نمی دانم بر سر کدامین راه به انتظارت و به احترامت بایستم و با نگاهی اشک بار و سرشار از شوق وصال عشق بر آن تمثال فرزانه امت بنگرم و با صدایی پر شور و شغف بگویم: خوش آمدی ای عشق بی مثال..... خوش آمدی.

این جمعه هم گذشت و آقا نیامدی. ای عشق نادیده، این بار هم نیامدی. ای زیباترین و ای غایب ترین آشکار، تا کی به یادت و به نامت و بدون



حضورت در انتظار بنشینیم و به کدامین مسیر چشم به راه بمانیم؟
خوشا روزی که بیایی و مزده حضورت را من بر زبان برانم و غلامت شوم.

• جاده انتظار

یادت هست سر جاده انتظار از من جدا شدی؟ از تو پرسیدم: این جاده
نامش چیست؟! و تو گفتی انتظار و رفتی؛ آن قدر آهسته که می توانستم
نقش قامت رعنایت را ترسیم کنم؛ به خاطر قدرناشناسی و بی معرفتی ما و
به خواست محبوبت باید می رفتی که ما قد بکشیم؛ حسرت می خوردم که
چرا قدرت را ندانستم، شاید هیچ گاه فکرش را نمی کردم که روزی می روی؛
آرام دور می شدی و اشک چشمانم آب پشت سرت می شود.

می دانم از همان راهی که رفته ای برمی گردی و آن گاه، مردم طعم شیرین
زندگی را با تمام جانشان حس می کنند، و بردوران بی خبری شان حسرت
می خورند.

صلوات شعبانيه

صلوات شعبانيه

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ تَحْرِيَةَ السَّيِّئِ وَمَوْضِعَ
الرِّسَالَةِ وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَمُعَدِّنِ الْعِلْمِ وَأَهْلِ نَبْتِ
الْوَحْيِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْفَلَكِ
الْحَارِيَةِ فِي الْمَسْجِدِ الْعَامِرَةِ تَامِنُ مِنْ رِكَبِهَا وَيَخْرُقُ مِنْ
تَرْكِبِهَا السُّقُومَ لِمَنْ مَارَقَ وَالْمُسَاخِرَ عَنْهُمْ رَاهِقَ وَاللَّارِمَ
لِمَنْ لَاحَقَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْكَهْفِ
الْمُحَصَّنِ وَعِيَانِ الْمُضْطَرِّ لِلْمُسْكِينِ وَمَلْجَأِ الْهَارِبِينَ
وَعِضَةِ الْمُفْضَلِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ صَلَاةً كَثِيرَةً تَكُونُ لِمَنْ رَضَا وَلِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ إِدَاءً وَقَضَاءً مَجْمُولٍ مِنْكَ وَقُوَّةً يَارَبَّ الْعَالَمِينَ.



• اشاره

این ماه برای سالک الی الله بسیار با ارزش است. از مقام این ماه همین بس که ماه رسول خدا ﷺ بوده و حضرتش ﷺ فرمودند: «شعبان ماه من است، خداوند کسی را که مرا در ماهم یاری کند، پیامرزد.»

کسی که از این دعوت بزرگ آگاه شود، باید بکوشد که از دعوت شدگان این دعوت گردد. این جانشین و برادر او امیر المؤمنین علیؑ است که می فرماید: «از زمانی که ندای منادی رسول خدا ﷺ را که برای روزه این ماه ندای می کرد شنیدم، هیچ گاه روزه این ماه را از دست نداده و در تمام عمرم آن را از دست نخواهم داد؛ اگر خدا بخواهد.»

این ماه برای سالک الی الله بسیار با ارزش است. از مقام این ماه همین بس که ماه رسول خدا ﷺ بوده و حضرتش ﷺ فرمودند: «شعبان ماه من است، خداوند کسی را که مرا در ماهم یاری کند، پیامرزد.»



یکی از اعمال این ماه عزیز خواندن صلواتی است که به صلوات شعبانیه معروف می باشد.

• محتوای صلوات شعبانیه

در هر روز از شعبان در هنگام ظهر و در شب نیمه آن صلوات هر روز شعبان که از امام سجاد علیه السلام روایت شده، خوانده شود که به شرح ذیل است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ شَجَرَةِ النَّبُوَّةِ وَمَوْضِعِ الرِّسَالَةِ وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ
وَمَعْدِنِ الْعِلْمِ وَأَهْلِ بَيْتِ الْوَحْيِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْفُلْكِ الْجَارِيَةِ
فِي اللَّجَجِ الْغَامِرَةِ يَا مَنْ مِنْ رُكْبَتِهَا وَيَغْرُقُ مَنْ تَرَكَهَا الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ وَالْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ
زَاهِقٌ وَاللَّازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْكَهْفِ الْخَصِينِ وَغِيَاثِ الْمُضْطَرِّ الْمُسْتَكِينِ
وَمَلْجَأِ الْهَارِبِينَ وَعِصْمَةِ الْمُعْتَصِمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَةً



كثيرةً تكون لهم رِضاً وِليحى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ آدَاءً وَقَضَاءً بِحَوْلٍ مِنْكَ وَقُوَّةٍ يَا رَبَّ
العالمينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الْأَبْرَارِ الْأَخْيَارِ الَّذِينَ أَوْجَبْتَ حُقُوقَهُمْ وَ
فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَوَلَّيْتَهُمْ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْمُرْ قَلْبِي بِطَاعَتِكَ
وَلَا تُخْزِنِي بِمَعْصِيَتِكَ وَارْزُقْنِي مُوَاسَاةَ مَنْ قَتَّرْتَ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ بِمَا وَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ
فَضْلِكَ وَنَشَرْتَ عَلَيَّ مِنْ عَدْلِكَ وَأَحْيَيْتَنِي تَحْتَ ظِلِّكَ وَهَذَا شَهْرُ نَبِيِّكَ سَيِّدِ رُسُلِكَ
شَعْبَانَ الَّذِي حَفَفْتَهُ مِنْكَ بِالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ الَّذِي كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
وَسَلَّمَ يَدَابُّ فِي صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ فِي لَيَالِيهِ وَأَيَّامِهِ بِخُوعًا لَكَ فِي إِكْرَامِهِ وَاعْظَامِهِ إِلَى
مَحَلِّ حِمَامِهِ.

اللَّهُمَّ فَاعِنَّا عَلَى الْأُسْتِنَانِ بِسُنَّتِهِ فِيهِ وَنَيْلِ الشَّفَاعَةِ لَدَيْهِ اللَّهُمَّ وَاجْعَلْهُ لِي شَفِيعاً



مُشْفَعًا وَطَرِيقًا إِلَيْكَ مَهِيحًا وَاجْعَلْنِي لَهُ مُتَّبِعًا حَتَّىٰ أَلْقَاكَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عَنِّي رَاضِيًا وَ
عَنْ ذُنُوبِي غَاضِيًا قَدْ أَوْجَبْتَ لِي مِنْكَ الرَّحْمَةَ وَالرِّضْوَانَ وَأَنْزَلْتَنِي دَارَ الْقَرَارِ وَمَحَلَّ
الْأُخْيَارِ.

این صلوات شامل برکات ماه و کارهایی که باید برای رسیدن به این برکات
انجام دهیم می باشد.

این دعا با صلوات هایی شروع می شود که توجه به شئون نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ
ائمہ معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ می باشد؛

«وَجَعَلَ صَلَاتَنَا عَلَيْكُمْ وَمَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَايَتِكُمْ طِيبًا لِحُلُقِنَا وَطَهَارَةً لِنَافْسِنَا وَتَزَكِيَةً
لِنَا وَكَفَّارَةً لِدُنُوبِنَا».

یکی از اعمال این ماه هم کثرت صلوات است. باطن صلوات تعظیم در برابر
نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ و ائمہ اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و شئون ایشان است که این تعظیم طریق



سجده در مقابل خدای متعال می باشد.

«اللهم صل على محمد وآل محمد الفلك الجارية في اللجج الغامرة يأمن من ركبها
ويغرق من تركها»

انسان سالک می بایست در این دنیا حالت غریق داشته باشد که در روایات
هم تأکید شده است در غیر این صورت انسان مبتلای به شرک می شود.

• حالت غریق چگونه حالتی است؟

حالت غریق یعنی کسی که در اوج نیاز، از همه تکیه گاه ها منقطع گردیده
است. این توجه مقدمه درک حضور خداوند و رسیدن به مقام اخلاص
است:

«فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ»
(عنکبوت: ۵۶)



انسان تا مضطر نشود و حالت غریق پیدا نکند، متکی به خدا نمی شود و تا متکی نشود در سلوک خود به نتیجه نمی رسد؛ یعنی حتی به ریاضات و عقل و عبادات خود نباید تکیه کند. وقتی این حالت در انسان شکل گرفت کشتی نجات او اهل بیت علیهم السلام خواهند بود.

باطن این ماه از شئون نبی اکرم صلی الله علیه و آله و شفاعت ایشان است. خداوند این ماه را محفوف به رحمت و رضوان خودش قرار داده و اگر انسان اهل سیر در این ماه شد پایانش رضوان الهی است.

• شرط نجات چیست؟

شرط نجات، رسیدن به حالت غریق است چرا که تا احساس نیاز نکند و خود را مستغنی نداند این دستگیری اتفاق نمی افتد. عبور از همه فتنه ها و ابتلائات نیز با تکیه بر این تکیه گاه ممکن است.

«اللهم صل علی محمد و آل محمد الکفیف الحصین و غیاث المضطر المستکین و



ملجأ الهاربين وعصمة المعتصمين»

«وَإِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَمَا يُعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْوَا إِلَى الْكَهْفِ؛ (الكهف: ٦١)

انسان وقتی از بت ها کناره گرفت و احساس غربت به او دست داد و جز خدا را نخواست، به کهف حصین پناه می آورد.»

اینکه سر حضرت سیدالشهدا علیه السلام بر سر نیزه این آیه رامی خواندند:

«أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا» (الكهف: ٩)

اشاره به این حقیقت دارد که واقعاً اصحاب کهف آیات عجیب خداوند نبوده اند بلکه اصحاب سیدالشهدا آیات عجیب بوده اند که در این فتنه به کهف حصین یعنی سیدالشهدا پناه آورده اند.

• **غیاث المضطر المستکین:** غوثی که خداوند برای دستگیری مضطربین

قرار داده است ائمه معصومین علیهم السلام هستند. این اضطرار و اعتزال از مراحل متکامل سیرو سلوک معنوی انسان مؤمن است که ترکیبی از خوف و عجز



است. این حالت را باید در همه احوال زندگی داشته باشیم چرا که حقیقتاً فقیر هستیم. کسی که ملتفت به این فقر مستمر خودش نیست دنبال پناهگاهی هم نیست.

• **ملجاء الیهاربین:** اگر برای انسان هرب حاصل شد از شیطان و اهوای نفس خود به این ملجاء می‌رسد.

• **عصمه المعتصمین:** انسان باید در همه امور خود اهل اعتصام و توکل باشد حتی در خودسازی و سلوک خود.

• مشکل اساسی نرسیدن به اضطرار واقعی است!

بنابراین مشکل ما در این است که به حالت اضطرار و هارب و مستکین و معتصمین نرسیده‌ایم که اگر برسیم معصومین عليهم السلام را به عنوان کھف و غیاث و ملجاء و عصمت خواهیم یافت.



• باطن ماه شعبان رادرک کنیم!

این صلوات‌ها مقدمه این نکته پایانی صلوات‌ها است: «هذا شهرُ نبيك سيّد رسلك شعبان الذي حَفَفْتَهُ بِالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ الَّذِي كَانَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَدْأَبُ فِي صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ فِي لِيَالِيهِ وَأَيَامِهِ بِخَوْعًا لَكَ فِي أَكْرَامِهِ وَأَعْزَامِهِ إِلَى مَحَلِّ هِمَامِهِ»

باطن این ماه از شئون نبی اکرم ﷺ و شفاعت ایشان است. خداوند این ماه را محفوف به رحمت و رضوان خودش قرار داده و اگر انسان اهل سیردر این ماه شد پایش رضوان الهی است.

• رضوان چه مقامی است!

رضوان؛ مقامی فوق همه مقامات بهشت است: «وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ» (التوبة: ۲۷) و باید دانست که این مقام رضوان بدون شفاعت و دستگیری اهل بیت ﷺ بدست نمی‌آید: «بكم يسلك الى الرضوان»



• چه کنیم تا به رحمت و رضوان این ماه برسیم؟

«اللهم فاعنا على الاستئان بسنته فيه ونيل شفاعت لديه»

ما باید تمسک کنیم به سنت حضرت و مُسْتَن به این سنت بشویم که در سایه این تمسک به شفاعت حضرت برسیم و این استئان به سنت باعث می شود که خود را در معرض رحمت این ماه قرار دهیم.

• چه شفاعتی را در خواست می کنیم!؟

«اللهم اجعله لي شفيحاً مشفعاً» شفیعی است که شفاعتش مقبول است،
«و طريقاً إليك مهيناً واجعلني له مُتبعاً حتى القاك يوم القيامة راضياً و عن ذنوبي قاضياً قد اوجبت لي منك رحمةً و الرضوان».

طریق و واسطه همه عالم نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است و تبعیت، لازمه این سیرو سلوک است.



• **یوم القیامه راضیاً:** اشاره به همان مقام رضوان است.

عن ذنوبی قاضیاً...: مقام شفاعت حضرت که به وسیله آن به رحمت و رضوانی که محفوف به این ماه است می‌رسیم.

«وانزلتني دارالقرار ومحل الا خیار»

اخیار دسته‌ای هستند که به صورت مستقیم برخوردار از نور حضرات هستند؛ «انتم نور الا خیار».

آمده است که در هر روز شعبان در وقت زوال [وقت ظهر شرعی] و در شب نیمه آن این صلوات را که از حضرت زین العابدین علیه السلام روایت شده خوانده شود.

نیایش شعبانیه





● بارالها! این شب ها در نور باران ملکوت، دل را هم سفرِ ملایک می کنم و راهی عرش کبریایی ات می سازم؛ می کوشم تا کوله بارم را آن قدر از توشه معرفت و حقیقت آکنده سازم که لایق استقبال از ماه رحمت تو شوم، و چون بنده ای که سزاوار آمرزش است، از دروازه لطفت به شهر رمضان قدم بگذارم.

● یا عزیز! این شب های آذین بندان آسمان، دستانم را در بارش نور و رحمت به سویت بلند می کنم و خاضعانه صدایت می زنم؛ آن قدر صدایت می زنم که پاسخی نه در حد بندگی ام، که در شأن ربوبیت تو بشنوم و آنگاه فارغ از انبوه ظلمات گناهانم، روح و جسم کویرزده ام را به چشمه رمضان می سپارم تا عطش ناشی از جهالت و جوانی ام را فرو بنشانند. باشد که صمدیت تو، مدد رسان نیازمندی ام گردد؛ آفتاب رحمانیتت، گرما بخش جسم و جان کرخت شده ام است؛ و پرتوی از علمت، گشاینده چشمان بصیرتم به باغ معرفت.



لطافت ماه شعبان، دلِ چون سنگم را نوازش می دهد؛ و شیرینی ماه
رمضان، تلخی گناه را به حلاوت توبه بدل می گرداند.

• سرافکنده و مغموم و نادم آمده ام. می خواهم «من» را به پایت فدا
کنم؛ همان «من» که خواهش های بی پایانش، ایمانم را به بند کشیده و
انسانیتم را در سیاهی حصار غفلت اسیر ساخته، اراده ام را سست کرده و
توکلّم را در پس پرده های هزاررنگ جهالت، بی رنگ گردانیده.

می خواهم «من» را در آتش ندامت، ذوب کنم و آنگاه در این شعبان
پریمن، به شعبه خیرات روی آورم تا از درآویختگان به شاخه طوبی باشم.
می خواهم طعم شیرین روزه شعبان را بچشم تا رمضان را خالص و سبک
بال درک کنم. می خواهم در این ماه عزیز، که فرش قدوم پربرکت نجات
بخش عالم قرار گرفته، جام انتظار را صبورانه درکشم تا در صف منتظران
واقعی درآیم؛ و تمام این روزها و شب ها با ترنم عاجزانه «اللَّهُمَّ عَجِّلْ لِي لِقَاءَ
الْفَرَجِ» دست و زبان و قلبم را زینت بخشم.



روح زخم خورده ام در پی مرهمی است که التیام بخش عمق جراحتش باشد. به هرسوی نظرمی افکنم، جز تیرهای ناکامی نصیب تمنایم نمی شود. هیچ دری از سر مهر، به سوی وجود یأس زده ام گشوده نمی گردد. هیچ سرپناهی، بی منت یا بی طلبِ مزدی، سقف مهربان بی پناهی ام نمی شود؛ هیچ نگاه گرمی، پذیرای بی کسی ام نیست.

پس خجل و شکست خورده، اما با توشه امید، به درگاهت روی می آورم، ای دستگیر از پافتادگان و ای پناه بخش بی پناهان!

این دست من است؛ دستی که زنجیرهای آتشین بردگی برای شیطان، بر آن داغ ذلت نهاده. اکنون روسیاه تراز همیشه، با دست تهی بر آستان کرمت چنگ می زنم؛ به این امید که با آب مغفرت، وجود عصیان زده ام را پاک گردانی، شانه های تازیانه خورده از هوای نفس را دریابی، صدایم زنی و مرا به سوی خود بخوانی و به راهی رهنمون باشی که بندگان خاص و مقربت را به آن فراخوانده ای؛ راهی که تنهادرک کنندگان حقیقت رمضان،



آن رامی شناسند و جویندگان نیک بختی و سعادت، پوینده آیند.

• ای رحیم ترا ز هر بخشنده ای! ای نزدیک ترا ز من به من! پذیرایم باش،
هر چند سرتا پا گناه و عصیانم؛ و پاسخم ده، هر چند شایسته درک عظمت
تونستم.

فرصت پرواز





باز ماهی دیگر، فرصتی دیگر برای دیگر زیستن و باز در این قفس باز شد. آیا هست کسی که شوق پرواز داشته باشد؟!

آیا کسی هست که از تنگی دنیا به تنگ آمده باشد؟! آیا هست کسی که خواهان بازگشت به اصل خویش باشد؟!

الآن فرصت پرواز است. شعبان ماه پرواز، ماه رهایی انسان و ماه رسول خدا صلی الله علیه و آله هم آمد.

این ها ساعات، ثانیه ها و لحظه ها نیستند که در گذرند. این ها فرصت، عمر و آینده است که می آیند و ما همچنان ناظر به آن، ناظر به فلاکت خودمان به انتظار نشسته ایم.

حال که درهای آسمان باز شده و درخت طوبی شاخه هایش را برای ما به زیر انداخته، آیا کسی هست که به آن چنگ زند و زائر خدا شود؟!

گاهی برای خوب شدن لحظه ای کافی است و آن لحظه ها می تواند لحظه



های رجب، شعبان و رمضان باشد که همراه با غفلت ما می گذرند و فریاد برمی آورند که آمدیم، در زدیم، نبودید، رفتیم.

مبادا شاخه های زقوم پابند ما شوند و آن گاه که طوبی را می بینیم دیگر دیر شده باشد. اما چه کسی به طوبی می پیوندد؟

کسی که توشه ای از هر آنچه خوبی است در این دنیای پست برگیرد. شعبان ماه دعوت خوبی ها به خانه دل است.

ماه تجلی خدا در دل های مؤمنین و چه بزرگ است آن دلی که زائر پروردگارش می شود به سه روز خودداری از خوردن و آشامیدن.

و چه زیباست مناجات ولی خدا با پروردگارش که برای اهلش مانند پناهگاهی است که از این دنیای طوفان زده به آن گریخته است.

و باز چه خوب است که با پروردگار عالم از زبان ولی اش مناجات کنیم که او عارف به حق است که او می شناسد آنچه را که می ستاید. پروردگار عالم،



حسین را در سوم این ماه به عالم هدیه داد و بدانید این روز لیاقت گنجاندن ولادت چنین مولودی را داشت که خداوند او را به آن هبه دارد و آن روز را بزرگ گردانید.

پس آنچه می توانید از این روز بردارید که توشه ای از این روزها غنیمت است؛ حتی به اندازه روزه ای، زیارتی و دعایی که در «کلیدهای بهشت» آمده.

باز چه زود این ماه به نیمه می رسد، انگار روزها را دنبال کرده اند و خودشان چه اشتیاقی دارند برای رسیدن به نیمه.

شاید خبر دارند در نیمه همین ماه است که آخرین، تنهاترین و بزرگ ترین منجی بشر خواهد آمد و جهان را روشن می کند به انوار الهیه ای که در وجودش نهفته است.

وای مهدی جان، برای خلقی مبعوث شده ای که راه به آمدنت نمی دهند،



آیا منتظری؟! آیا منتظر ما هستی که راه را باز کنیم؟! بیایید راه را برای مولایمان باز کنیم.

بیایید فرج را به دل ها راه دهیم. بیایید در این روز که همسنگ روز مقدر انسان ها است و شبش شبِ دوازده امام است، پروردگار را به نام اعظمش بخوانیم و فرج را برای یکایکمان طلب کنیم.

نکند سردرد دل هاما بنویسیم ورود مهدی ممنوع!

نکند خدای خوبی ها را به دل راه ندهیم. نکند دلما خانه اغیار شود! که اگر شد نمی توانی شبش را به دعا زنده نگهداری و روزش را به روزه سر کنی و مدام بخوانی برای سلامتی حضرتش:

«اللهم کن لولیک الحجة ابن الحسن...»

اما شاید روزه ای باشد و خدایی مهربان که در همین نزدیکی است.



پس خود را پاک گردان به غسل و شب را زنده نگه دار به نماز و دعا و استغفار تا نمیرد دلت روزی که تمام دل ها مرده است و بخوان زیارت حسین علیه السلام را که زیارتش افضل اعمال است در با فضیلت ترین روزها و شب های سال و دعایی که کمیل از امیرش هدیه گرفت، در این شب وارد شده است. تو هم همراه با او بخوان:

«اللهم انی اسئلك برحمتک الّتی وسعت کلّ شیء...»

و اینک، آخرین جمعه شعبان است و شاید برای من و تو آخرین فرصت خوب شدن باشد. پس زیاد استغفار کن از تمام گناهان عمرت. بسیار بخوان سخن پروردگارت را و زیاد با او صحبت کن با نمازی که به رسولش تعلیم داد و مدام زمزمه کن:

«اللهم ان لم تکن غفرت لنا فی ما مضی من شعبان...»



و این ماه هم با آنچه برداشتی و برداشتی به سرمایه آید. با آنچه باید می‌کردی و نکردی به سرمایه آید.

خوشابه حال آن که سنگین بردارد، برای تمام عمر بردارد، برای همه بردارد.

دعای کمیل





• بامویه های کمیل زیر باران

• من از کوچه های «ظلمت نفسی» زیر نور مهتاب شعبان به واسطه حضرت منتظر به منزل انتظار «رب رؤف» رسیدم. «هیئات» در پاییز احساس باران، بهانه من بود تا با زمزمه های دعادلی ترک کنم. امامی خواهم زیرا بری بروم که نم نم بارانش، به دل عطر طراوت می بخشد و در قلب رنگین کمان «یارب» می نگارد.

• می خواستم از دست نفس فراری شوم و رها در کوچه ها، خانه به خانه به دنبال نشان «کل الاحوال رؤفا» بگردم. اگر او را می یافتم، زیر باران نگاهم دل را می ربودم و مقابل نگاهش با صدای بغض آلود ندامت فریاد می کردم: مولای من، هر ستمکاری بر دیگران ستم می راند در حالی که من ستم بر خود کرده ام! در عالم انسانیت، جرمی بالاتر از این و مجازاتی بدتر از این که «نادانی» به زنجیرش کشد. تو خود می دانی که گرچه جرات یافتم



نافرمانیت کنم، اما باز دلم آرام بود که تو از من غافل نمی شوی. من حکم کودکی داشتم که هرچه خطا می کرد به جرم کودکی اش، مادر باز مهرش را از او دریغ نداشت. می دانستم تو هرگز لطف و احسانت را دریغ نمی کنی. «یا قدیم الاحسان» که هر عالمی را به حکم بنده بودن پناهی.

• به این جا که می رسم دیگر نه می توانم بنویسم نه می توانم بگویم اما باز وقتی باور می کنم در سلول انفرادی نفس،

• کسی به ملاقاتم آمده، بی پرده همه جرائم خود را می گویم تا شاید به حکم صداقت، سند شفاعت گذارد و دل را برهاند.

• مهربان من، خود می دانم کارهای زشتی مرتکب شده ام که هرگز هویدا نکردی و به لطفت یا ستار، آنچه کردم مستور کردی و اگر روزی هویدا می گشت شاید مردم مرا به جرم آن می کشتند. و می دانم تو هر آنچه که کردم دیدی اما بر من صبر نمودی. روزگار جرم سنگین ام می داد، اما تو از لغزش ها پناهم دادی. بد بودم اما تو بدی های دنیا را از من دور ساختی. آنچه بد



کرده بودم پنهان کردی تا مبادا مردم مرا به بدی بشناسند، می دانم لایق لطفت نبودم اما تو بر زبان ها مدح و ثنای مرا منتشر کردی آن چنان که می دانستم آنچه می گویند نیستم. پس تو عزتم دادی اما ای عزیز:

• امروز من از غم درد می نالم. گوشه نگاهم زخم سوزاشکی است که از ندامت جاری می شود. دلم در بند است و نگهبان دنیا یک لحظه مهلت ملاقاتم نمی دهد. آرزوهای دور تا سراب های خیال مرا تشنه بردند و جانم را در کویر غرور به زنجیر کشیدند، دنیا با نیرنگ وعده رهایی ام داد و نفس در هوای مه آلود غرور غرقم کرد. حال ای عظیم بین عظمت دردهای مرا که دلم را زمین گیر کرده است. بین فریب دنیا را که نفسم را به زنجیر کشیده است!

• ای سید من، ای عزیز! تو را به جلالت سوگند که مبادا حقیر و بی پناهی را به جرم آن که روزی عملی زشت انجام داده به درگاه اجابت نخوانیش و در بیابان غفلت رهایش کنی.

• ای محرم راز من! آنچه نهانی کرده ام از روی تقصیر و نادانی و غفلت و



شهوت بوده و تو همه را می دانی. رسوایم مکن که تو را واقف اسرار خویش دانستم. کمی صبر کن، بر من شکیبایی ورز و شکنجه ام مکن به آنچه کرده ام باز هم مهربانی کن که تو در همه حال مهرورزی. بگذار زیر سایه مهرت باز هم نگاه بارانی ام چشم بر تو دوزد که «بعزتک لی فی کل الاحوال رئوفا»

• آشنایی با دعای کمیل

دعای کمیل از بهترین دعاها و منسوب به خضر نبی علیه السلام است. امیرالمؤمنین علیه السلام آن را به کمیل که از اصحاب خاص آن حضرت بود آموخت. این دعا در شبهای نیمه شعبان و در هر شب جمعه خوانده میشود، و برای کفایت از گزند دشمنان و گشوده شدن درهای روزی و آرزش گناهان سودمند است.

• متن و ترجمه دعای کمیل

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسَعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي قَهَرْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ وَ



خَضَعَ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ وَذَلَّ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ وَبَجَبَرُونِكَ الَّتِي غَلَبْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ وَبِعِزَّتِكَ
الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ وَبِعِظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَبِسُلْطَانِكَ الَّتِي عَلَا كُلَّ شَيْءٍ
وَبِوَجْهِكَ الْبَاقِيَ بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ وَبِأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأَتْ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ وَبِعِلْمِكَ
الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَضَاءَ لَهُ كُلَّ شَيْءٍ ...

خدایا از تو درخواست می‌کنم، به رحمت که همه چیز را فرا گرفته، و به
نیرویت که با آن بر هر چیز چیره گشتی و در برابر آن هر چیز فروتنی نموده
و همه چیز خوار شده و به جبروتت که با آن بر همه چیز فائق آمدی و
به عزتت که چیزی در برابرش تاب نیاورد و به بزرگی‌ات که همه چیز را پر
کرده و به پادشاهی‌ات که برتر از همه چیز قرار گرفته، و به جلوه‌ات که پس از
نابودی همه چیز باقی است و به نام‌هایت که پایه‌های همه چیز را انباشته
و به علمت که بر همه چیز احاطه نموده، و به نور ذاتت که همه چیز در پرتو
آن تابنده گشته ...

يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ وَيَا آخِرَ الْأَخِيرِينَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ



اَلْعِصْمَ اَللّٰهُمَّ اَغْفِرْ لِي الذُّنُوْبَ الَّتِي تُنَزِّلُ النَّقْمَ اَللّٰهُمَّ اَغْفِرْ لِي الذُّنُوْبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعْمَ
اَللّٰهُمَّ اَغْفِرْ لِي الذُّنُوْبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ اَللّٰهُمَّ اَغْفِرْ لِي الذُّنُوْبَ الَّتِي تُنَزِّلُ الْبَلَاءَ ...

ای نور، ای پاک از هر عیب، ای آغاز هر آغاز، و ای پایان هر پایان، خدایا! بیامرزش
برای من آن گناہانی را که پرده حرمت من مدرد، خدایا! بیامرزش برای من آن
گناہانی را که کیفرها را فرو می بارند...

خدایا! بیامرزش برایم گناہانی را که نعمت‌ها را دگرگون می سازند، خدایا! بیامرزش
برایم آن گناہانی را که دعا را باز می دارند، خدایا! بیامرزش برایم گناہانی که بلا
را نازل می کند...

اَللّٰهُمَّ اَغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ وَكُلَّ خَطِيئَةٍ اَخْطَاْتُهَا اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِذِكْرِكَ وَ
اَسْتَشْفِعُ بِكَ اِلَى نَفْسِكَ وَ اَسْئَلُكَ بِجُودِكَ اَنْ تُدْنِيَنِي مِنْ قُرْبِكَ وَ اَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَكَ وَ
اَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ خَاشِعٍ اَنْ تُسَامِحَنِي وَ تَرْحَمَنِي
وَ تَجْعَلَنِي بِقِسْمِكَ رَاضِيًا قَانِعًا وَ فِي جَمِيعِ الْاَحْوَالِ مُتَوَاضِعًا ...



خدایا! بیامرز برایم همه گناہانی را که مرتکب شدم، و تمام خطاهایی که به آن‌ها آلوده گشتم، خدایا! بایاد توبه سویت نزدیکی می جویم، و از ناخشنودی توبه درگاه خودت شفاعت میطلبم، و از تو خواستارم به جودت مرا به بارگاه قرب خویش نزدیک گردانی و سپاس خود را نصیب من کنی، و یادت را به من الهام نمایی، خدایا! از تو درخواست میکنم، درخواست بندهای فروتن، خوار و افتاده، که با من مدارا نمایی و به من رحم کنی و به آنچه روزی ام نموده‌ای خشنود و قانع بداری و در تمام حالات در عرصه تواضعم بگذاری ...

اللَّهُمَّ وَاسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَانزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ وَعَظَمَ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتَهُ اللَّهُمَّ عَظُمَ سُلْطَانُكَ وَعَلَا مَكَانُكَ وَخَفِيَ مَكْرُوكٌ وَظَهَرَ أَمْرُكَ وَغَلَبَ قَهْرُكَ وَجَرَتْ قُدْرَتُكَ وَلَا يُمَكِّنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكُومَتِكَ ...

خدایا! از تو درخواست می‌کنم درخواست کسی که سخت تهی دست شده و بار نیازش را به هنگام گرفتاری‌ها به آستان تو فرود آورده و میلش به آنچه نزد توست فزونی یافته، خدایا! فرمانروایی بس بزرگ و مقامت والا و تدبیرت



پنهان، و فرمانت آشکار، و قهرت چیره، و قدرت نافذ، و گریزاز حکومت
ممکن نیست...

اللَّهُمَّ لَا أَجِدُ لِدُنُوبِي غَافِرًا وَلَا لِقَبَائِحِي سَاتِرًا وَلَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي الْقَبِيحِ بِالْحَسَنِ
مُبَدِّلًا غَيْرَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ ظَلَمْتُ نَفْسِي وَتَجَرَّأتُ بِجَهْلِي وَ
سَكَنْتُ إِلَى قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي وَمِنْكَ عَلَيَّ اللَّهُمَّ مَوْلَايَ كَمْ مِنْ قَبِيحٍ سَتَرْتَهُ وَكَمْ مِنْ
فَادِحٍ مِنَ الْبَلَاءِ أَقْلَنْتَهُ وَكَمْ مِنْ عَثَارٍ وَقَيْتَهُ وَكَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ وَكَمْ مِنْ ثَنَاءٍ جَمِيلٍ
لَسْتُ أَهْلًا لَهُ نَشَرْتَهُ...

خدایا! آمرزنده‌های برای گناهانم و پرده‌پوشی برای زشت‌کاری‌هایم و
تبدیل‌کننده‌های برای کارزشت‌م به زیبایی، جز تو نمی‌یابم معبودی جز تو
نیست، پاک و منزّهی و به ستایشت برخاسته‌ام، به خودستم کردم و از روی
نادانی جرأت نمودم و به یاد دیرینه‌ها از من و بخششت بر من به آرامش
نشستم خدایا! ای سرور من چه بسیار زشتی مرا پوشاندی و چه بسیار
بالاهای سنگین و بزرگی که از من برگرداندی و چه بسیار لغزشی که مرا از



آن نگه‌داشتی و چه بسیار ناپسند که از من دور کردی و چه بسیار ستایش نیکویی که شایسته آن نبودم و تو در میان مردم پخش کردی ...

اللَّهُمَّ عَظْمَ بَلَاءِي وَأَفْرَطَ بِي سُوءِ حَالِي وَقَصْرَتْ بِي أَعْمَالِي وَقَعَدَتْ بِي أَغْلَالِي وَ حَبَسَنِي عَنِ نَفْعِي بُعْدَ أَمَلِي وَ خَدَعْتَنِي الدُّنْيَا بِغُرُورِهَا وَ نَفْسِي بِجَنَائِثِهَا وَ مِطَالِي يَا سَيِّدِي فَاسْئَلْكَ بِعِزَّتِكَ أَنْ لَا يَحْجُبَ عَنْكَ دُعَائِي سُوءَ عَمَلِي وَ فِعَالِي وَلَا تَفْضَحْنِي بِخَفِيِّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي وَلَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَيَّ مَا عَمِلْتُهُ فِي خَلَوَاتِي مِنْ سُوءٍ فِعْلِي وَ اسَأْتِي وَ دَوَامِ تَفْرِيطِي وَ جَهَائْتِي وَ كَثْرَةِ شَهَوَاتِي وَ غَفْلَتِي وَ كُنْ ...

خدایا! بلایم بزرگ شده و زشتی عالم از حد گذشته و کردارم خوارم ساخته و زنجیرهای گناه مرا زمین‌گیر نموده و دوری آرزوهایم مرا زندانی ساخته و دنیا با غرورش و نفسم با جنایتش و امروز و فردا کردنم در توبه مرا فریفته، ای سرورم از تو درخواست میکنم به عزتت که مانع نشود از اجابت دعایم به درگاهت، بدی عمل و زشتی کردارم و مرا با آنچه از اسرار نهانم می‌دانی رسوا سازی و در کیفر آنچه در خلوت‌هایم انجام دادم شتاب نکنی، از زشتی کردار و بدی رفتار و



تداوم تقصیر و نادانی و بسیاری شهواتم و غفلتم، شتاب نکنی ...

اللَّهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ رَوْفًا وَعَلَيَّ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَطُوفًا إِلَهِي وَرَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ أَسْأَلُهُ كَشْفَ ضُرِّي وَالنَّظَرَ فِي أَمْرِي ...

خدایا! با من در همه احوال مهرورز و بر من در هر کارم به دیده لطف بنگر، خدایا، پروردگارا، جز تو که را دارم؟ تا بر طرف شدن ناراحتی و نظر لطف در کارم را از او درخواست کنم ...

إِلَهِي وَمَوْلَايَ أَجْرَيْتَ عَلَيَّ حُكْمًا اتَّبَعْتُ فِيهِ هَوَى نَفْسِي وَلَمْ أَحْتَرِسْ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عَدُوِّي فَغَرَّنِي بِمَا أَهْوَى وَأَسْعَدَهُ عَلَيَّ ذَلِكَ الْقَضَاءُ فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرَى عَلَيَّ مِنْ ذَلِكَ بَعْضَ حُدُودِكَ وَخَالَفْتُ بَعْضَ أَوْامِرِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ ...

خدای من و سرور من، حکمی را بر من جاری ساختی که هوای نفسم را در آن پیوری کردم و از فریب کاری آرایش دشمنم نهراسیدم، پس مرا به خواهش دل فریفت و بر این امر اختیار و اراده ام یاریش نمود، پس بدین سان



و برپایه گذشته‌هایم از حدودت گذشتم، و با برخی از دستوراتت مخالفت نمودم، پس حجت تنها از آن تو است در همه این‌ها...

وَلَا حُجَّةَ لِي فِيمَا جَرَى عَلَيَّ فِيهِ قَضَاؤُكَ وَالزَّمَنِي حُكْمُكَ وَبَلَاؤُكَ وَقَدْ آتَيْتُكَ يَا إِلَهِي
بَعْدَ تَقْصِيرِي وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي مُعْتَذِرًا نَادِمًا مُنْكَسِرًا مُسْتَقْبِلًا مُسْتَغْفِرًا مُنِيبًا مُقْرَأً
مُذْعِنًا مُعْتَرِفًا لَا أَجِدُ مَفْرَأً مِمَّا كَانَ مِنِّي وَلَا مَفْزَعًا أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي غَيْرَ قَبُولِكَ
عُذْرِي وَإِدْخَالِكَ إِيَّايَ فِي سَعَةِ رَحْمَتِكَ اللَّهُمَّ فَاقْبَلْ عُذْرِي وَارْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي وَفُكَّنِي
مِنْ شِدَّةِ وَثَاقِي ...

و مرا هیچ حقی نیست در آنچه بر من از سوی قضایت جاری شده و فرمان و آزمایشت ملزوم نموده، ای خدای من اینک پس از کوتاهی در عبادت و زیاده‌روی در خواهش‌های نفس عذرخواه، پشیمان، شکسته‌دل، جویای گذشت طالب آمرزش، بازگشت‌کنان با حالت اقرار و اذعان و اعتراف به گناه، بی‌آنکه گریزگاهی از آنچه از من سرزده بیابم و نه پناهگاهی که به آن رو آورم پیدا کنم، جز اینکه پذیرای عذرم باشی، و مراد در رحمت فراگیری





بگنجایی، خدایا! پس عذرم را بپذیر، و به بد حالی ام رحم کن و رهایم سازاز
بند محکم گناه...

يَا رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدَنِي وَرِقَّةَ جِلْدِي وَدِقَّةَ عَظْمِي يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَذَكَرْتَنِي
تَرْبِيَّتِي وَبَرَّيْتَنِي وَتَغَذَّيْتَنِي هَبْنِي لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ وَسَالِفِ بَرِّكَ بِي يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَرَبِّي
أَتْرَاكَ مُعَذِّبِي بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ وَبَعْدَ مَا انطَوَى عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ وَلَهَجَ بِهِ
لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ وَاعْتَقَدَهُ ضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ وَبَعْدَ صِدْقِ اعْتِرَافِي وَدُعَائِي خَاصِعًا
لِرُبُوبِيَّتِكَ...

پروردگارا! بر ناتوانی جسمم و نازکی پوستم و نرمی استخوانم رحم کن. ای
که آغازگر آفرینش و یاد و پرورش و نیکی بر من و تغذیه ام بوده ای، اکنون مرا
ببخش به همان کرم نخستت، و پیشینه احسانت بر من، ای خدای من و
سرور و پروردگارم، آیا مرا به آتش دوزخ عذاب نمایی، پس از اقرار به یگانگی ات
و پس از آنکه دلم از نور شناخت تو روشنی گرفت و زبانم در پرتو آن به ذکر
گویا گشت و پس از آنکه درونم از عشقت لبریز شد و پس از صداقت در اعتراف



و درخواست خاضعانه ام در برابر پروردگاریات ...

هَيْهَاتَ أَنْتَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ تُضَيِّعَ مِنْ رَبِّيْتَهُ أَوْ تُبْعِدَ مِنْ أَدْنَيْتَهُ أَوْ تُشْرِدَ مَنْ أَوْيْتَهُ أَوْ تُسَلِّمَ
إِلَى الْبَلَاءِ مَنْ كَفَيْتَهُ وَرَحِمْتَهُ وَ لَيْتَ شِعْرِي يَا سَيِّدِي وَالْهِىَ وَمَوْلَايَ أَنْتَ سَلِطَ النَّارَ
عَلَى وُجُوهِ خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً وَعَلَى أَلْسِنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً وَ بِشُكْرِكَ
مَادِحَةً وَعَلَى قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ بِإِلَهِيَّتِكَ مُحَقِّقَةً ...

باور نمی کنم چه آن بسیار بعید است و تو بزرگوارتر از آن هستی که پرورده ات را
تباه کنی یا آن را که به خود نزدیک نموده ای دور نمایی یا آن را که پناه دادی
از خود برانی یا آن را که خود کفایت نموده ای و به او رحم کردی به موج
بلا و گذاری؟! ای کاش می دانستم ای سرورم و معبودم و مولایم، آیا آتش
را بر صورت هایی که برای عظمت سجده کنان بر زمین نهاده شده مسلط
می کنی و نیز بر زبان هایی که صادقانه به توحیدت و به سپاست مدح کنان
گویا شده و هم بردل هایی که بر پایه تحقیق به خداوندیت اعتراف کرده ...
وَعَلَى ضَمَائِرِ حَوْتٍ مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَتَّى صَارَتْ خَاشِعَةً وَعَلَى جَوَارِحِ سَعَتْ إِلَى



أَوْطَانِ تَعْبُدِكَ طَائِعَةً وَأَشَارَتْ بِاسْتِغْفَارِكَ مُدْعِنَةً مَا هَكَذَا الظَّنُّ بِكَ وَلَا أُخْبِرْنَا
بِفَضْلِكَ عَنْكَ يَا كَرِيمُ يَا رَبِّ وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَعُقُوبَاتِهَا وَ
مَا يَجْرِي فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ عَلَى أَهْلِهَا عَلَى أَنَّ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَمَكْرُوهٌ قَلِيلٌ مَكْتُهُ يَسِيرٌ بَقَائُهُ
قَصِيرٌ مَدَّتُهُ ...

و بر نهادهایی که معرفت به تو آنها را فرا گرفته تا آنجا که در پیشگاهت خاضع
شده و به اعضای که مشتاقانه به سوی پرستشگاه هایت شتافته اند و
اقرارکنان جویای آمرزش تو بوده اند، شگفتا این همه را به آتش بسوزانی! هرگز
چنین گمانی به تو نیست و از فضل تو چنین خبری داده نشده. ای بزرگوار، ای
پروردگار و تواز ناتوانی ام در برابر اندکی از غم و اندوه دنیا و کیف‌های آن و آنچه
که زاناگواری‌ها بر اهلش می‌گذرد آگاهی، با آنکه این غم و اندوه و ناگواری
درنگش کم بقایش اندک و مدتش کوتاه است ...

فَكَيْفَ احْتِمَالِي لِبَلَاءِ الْآخِرَةِ وَجَلِيلِ وَقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا وَهُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ مَدَّتُهُ وَيَدُومُ
مَقَامُهُ وَلَا يُخَفَّفُ عَنْ أَهْلِهِ لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا عَنْ غَضَبِكَ وَأَنْتِقَامِكَ وَسَخَطِكَ وَهَذَا مَا



لَا تَقُومُ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ يَا سَيِّدِي فَكَيْفَ لِي وَأَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الذَّلِيلُ الْحَقِيرُ
الْمُسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ يَا إِلَهِي وَرَبِّي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ لِإِي الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَشْكُو...

پس چگونه خواهد بود تا بم در برابر بلای آخرت، و فرود آمدن ناگواری ها در آن جهان بر جسم و جانم و حال آنکه زمانش طولانی و جایگاهش ابدی است و تخفیفی برای اهل آن بلا نخواهد بو، چرا که مایه آن بلا جز از خشم و انتقام و ناخشنودی تو نیست و این چیزی است که تاب نیاورند در برابرش آسمان ها و زمین، ای سرور من تا چه رسد به من؟ و حال آنکه من بنده ناتوان، خوار و کوچک، زمین گیر و درمانده توأم. ای خدای من و پروردگام و سرور و مولایم، برای کدامیک از دردهایم به حضرتت شکوه کنم...

وَلَمَّا مِنْهَا اضْجُ وَأَبْكِي لِإِلِيمِ الْعَذَابِ وَشِدَّتِهِ أَمْ لَطُولِ الْبَلَاءِ وَمُدَّتِهِ فَلَيْتُنْ صَبَّرْتَنِي
لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ أَعْدَائِكَ وَجَمَعْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَهْلِ بَلَائِكَ وَفَرَّقْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَحِبَّائِكَ
وَأَوْلِيَاءِكَ فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَرَبِّي صَبْرْتُ عَلَى عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى
فِرَاقِكَ وَهَبْنِي صَبْرْتُ عَلَى حَرِّ نَارِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَى كَرَامَتِكَ أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ



فِي النَّارِ وَرَجَائِي عَفْوِكَ ...

و برای کدامین گرفتاریم به درگاهت بنالم و اشک بریزیم. آیا برای دردناکی عذاب و سختی اش، یا برای طولانی شدن بلا و زمانش، پس اگر مراد ر عاقبت و مجازات با دشمنانت قرار دهی، و بین من و اهل عذابت جمع کنی، و میان من و عاشقان و دوستانت جدایی اندازی، ای خدا و آقا و مولا و پروردگارم، بر فرض که بر عذابت شکیبائی ورزم، ولی بر فراق چگونه صبر کنم و گیرم ای خدای من بر سوزندگی آتشت صبر کنم، اما چگونه چشم پوشی از کرمت را تاب آورم یا چگونه در آتش، سکونت گزینم و حال آنکه امید من گذشت و عفو تو است ...

فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ أَقْسِمُ صَادِقًا لَّيْنُ تَرَكْتَنِي نَاطِقًا لِأَضَجِّنَّ إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِهَا
ضَجِيحَ الْأَمْلِينَ وَلَا صُرْحَنَ إِلَيْكَ صُرَاخَ الْمَسْتَصْرِخِينَ وَلَا بُكَيْنَ عَلَيْكَ بُكَاءَ الْفَاقِدِينَ
وَلَأُنَادِيَنَّكَ أَيْنَ كُنْتَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ يَا غَايَةَ أَمَالِ الْعَارِفِينَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ
حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ وَيَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ ...



پس به عزّت ای آقا و مولایم سوگند صادقانه مخورم، اگر مراد رسخن گفتن آزاد بگذاری در میان اهل دوزخ به پیشگاهت سخت ناله سردهم همانند ناله آرزومندان و به درگاهت بانگ بردارم، همچون بانگ آنان که خواهان دادرسی هستند و هر آینه به آستانت گریه کنم چونان که مبتلا به فقدان عزیزی می باشند و صدایت می زنم: کجایی ای سرپرست مؤمنان، آری کجایی ای نهایت آرزوی عارفان، ای فریادرس خواهندگان فریادرس، ای محبوب دل‌های راستان و ای معبود جهانیان ...

أَفْتَرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي وَبِحَمْدِكَ تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سُجِنَ فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ
وَذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا بِمَعْصِيَتِهِ وَحُبِسَ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا بِجُرْمِهِ وَجَرِيرَتِهِ وَهُوَ يَضْجُ إِلَيْكَ
ضَجِيحَ مُؤَمِّلٍ لِرَحْمَتِكَ وَيُنَادِيكَ بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ يَا
مَوْلَايَ فَكَيْفَ يَبْقَى فِي الْعَذَابِ وَهُوَ يَرْجُوا مَا سَلَفَ مِنْ حِلْمِكَ أَمْ كَيْفَ تُوَلِّمُهُ النَّارَ
وَهُوَ يَأْمُلُ فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ ...

آیا این چنین است، ای خدای منزّه، و ستوده که در دوزخ بشنوی صدای



بنده مسلمانی که برای مخالفتش با دستورات توزندانی شده و مزه عذابش را به خاطر نافرمانی چشیده و میان درکات دوزخ به علت جرم و جنایتش محبوس شده، و حال آنکه دردِ درگاهت سخت ناله می‌زند، همچون ناله آنکه آرزومند رحمت توست، و با زبان اهل توحیدت تو را می‌خواند، و به ربوبیتت به پیشگاهت توّسل می‌جوید، ای مولای من، چگونه در عذاب بماند و حال آنکه امید به بردباری گذشته‌ات دارد یا آتش چگونه او را به درد آورد در حالی که بخشش و رحمت تو را آرزو دارد...

أَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهَيْبِهَا وَأَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَتَرَى مَكَانَهُ أَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ أَمْ كَيْفَ يَتَقَلَّقُلْ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ أَمْ كَيْفَ تَزْجُرُهُ زَبَانِيَّتُهَا وَهُوَ يناديك يَا رَبِّهِ أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عِتْقِهِ مِنْهَا فَتَتْرُكُهُ فِيهَا هَبِيهَاتَ مَا ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ وَلَا مُشَبِّهٌ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ الْمُوَحِّدِينَ مِنْ بَرِّكَ وَأِحْسَانِكَ...

یا چگونه شعله آتش او را بسوزاند در حالی که فریادش را می‌شنوی و جایش



رامی بینی یا چگونه آتش او را دربر بگیرد و حال آنکه از ناتوانی اش خبر داری، یا چگونه در طبقات دوزخ به این سو و آن سو کشانده شود در حالی که راستگوی اش رامی دانی، یا چگونه فرشته‌های عذاب او را با خشم برانند و حال آنکه تو را به پروردگاریت می‌خواند، یا چگونه ممکن است بخششت را در آزادی از دوزخ امید داشته باشد و تو او را در آنجا به همان حال واگذاری؟ همه این امور از بنده‌نوازی تو بس دور است، هرگز گمان ما به تو این نیست و نه از فضل تو چنین گویند و نه به آنچه که از خوبی و احسانت با اهل توحید رفتار کرده‌ای شباهتی دارد...

فَبِالْيَقِينِ أَقْطَعُ لَوْلَا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذِيبِ جَاحِدِيكَ وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلَادِ مُعَانِدِيكَ لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَسَلَامًا وَمَا كَانَ لِاحِدٍ فِيهَا مَقْرَأً وَلَا مُقَامًا لِكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ أَقْسَمْتُ أَنْ تَمْلَأَهَا مِنَ الْكَافِرِينَ مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ وَأَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا الْمُعَانِدِينَ وَأَنْتَ جَلُّ ثَنَاؤِكَ قُلْتَ مُبْتَدِئًا وَتَطَوَّلْتَ بِالْإِنْعَامِ مُتَكْرِمًا...

پس به یقین می‌دانم که اگر فرمانت در به عذاب کشیدن منکران نبود و



حکمت به همیشگی بودن دشمنان در آتش صادر نمی شد، هر آینه سرتاسر دوزخ را سرد و سلامت مکردی و برای احدی در انجا قرار و جایگاهی نبود، اما تو که مقدّس است نامه ایت سوگند یاد کردی که دوزخ را از همه کافران چه پری و چه آدمی پرسی و ستیزه جویان را در انجا همیشگی و جاودانه بداری و هم تو- که ثنایت برجسته و والا است- به این گفته ابتدا کردی و بانعمت هایت کریمانه تفضّل فرمودی که ...

أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ الْهِيَ وَسَيِّدِي فَاسْئَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَهَا
وَبِالْقَضِيَّةِ الَّتِي حَتَمْتَهَا وَحَكَمْتَهَا وَغَلَبْتَ مَنْ عَلَيْهِ أَجْرَيْتَهَا أَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ
وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ كُلِّ جُرْمٍ أَجْرَمْتُهُ وَكُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَكُلِّ قَبِيحٍ أَسْرَرْتُهُ وَكُلِّ جَهْلٍ
عَمِلْتُهُ كَتَمْتُهُ أَوْ أَعْلَنْتُهُ أَخْفَيْتُهُ أَوْ أَظْهَرْتُهُ وَكُلِّ سَيِّئَةٍ أَمَرْتِ بِإِثْبَاتِهَا الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ ...

«آیا مؤمن همانند فاسق است؟ نه، مساوی نیستند» ای خدا و سرور من، از تو خواستارم به قدرتی که مقدر نمودی و به فرمانی که حتمیتش دادی و بر همه استوارش نمودی و بر کسکه بر او اجرایش کردی چیره ساختی که



در این شب و در این ساعت بر من ببخشی هر جرمی که مرتکب شدم و هر گناهی که به آن آلوده گشتم و هر کار زشتی را که پنهان ساختم و هر نادانی که آن را بکار گرفتم خواه پنهان کردم یا آشکار، نهان ساختم یا عیان و هر کار زشتی که دستور ثبت آن را به نویسندگان بزرگوار دادی ...

الَّذِينَ وَكَلْتَهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي وَجَعَلْتَهُمْ شُهوداً عَلَيَّ مَعَ جَوَارِحِي وَكُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ وَالشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ وَبِرَحْمَتِكَ أَخْفَيْتَهُ وَبِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ وَأَنْ تُوفِّرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ أَوْ أَحْسَانٍ فَضَلْتَهُ أَوْ بِرِيشْرْتَهُ أَوْ رِزْقٍ بَسَطْتَهُ أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ أَوْ خَطَايَا تَسْتُرُهُ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ ...

آنانکه بر ضبط آنچه از من سرزند گماشتی و آنان را نیز گواهانی بر من قرار دادی علاوه بر اعضايم و خود فراتر از آنها مراقب من بودی و شاهد بر آنچه که از آنان پنهان ماند و به یقین با رحمت پنهان ساختی و با فضل پوشاندی و اینکه از تومی خواهم از هر چیز که نازل کردی یا احسانی که تفضل نمودی یا بر رویکی که گستردی یا رزقی که پراکندی یا گناهی که بیامرزی یا خطایی



که بیوشانی، پروردگارا، پروردگارا، پروردگارا!...

يَا اِلٰهِيَّ وَ سَيِّدِيَّ وَ مَوْلَايَ وَ مَالِكِ رِقِيَّ يَا مَنْ بِيَدِهِ نَاصِيَّتِي يَا عَلِيْمًا بِضُرِّيَّ وَ مَسْكَنَتِي
يَا خَيْرًا بِفُقْرِيَّ وَ فَاقَتِي يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اَسْئَلُكَ بِحَقِّكَ وَ قُدْسِكَ وَ اَعْظَمِ صِفَاتِكَ وَ
اَسْمَائِكَ اَنْ تَجْعَلَ اَوْقَاتِي مِنَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً وَ بِخِدْمَتِكَ مَوْصُوْلَةً ...

ای خدای من ای سرور من، ای مولای من و اختیار دارم، ای کسی که مہارم
به دست اوست، ای آگاہ از پریشانی و ناتوانام ای دانای تہی دستی و
ناداری ام. پروردگارا! پروردگارا! پروردگارا! از تو درخواست می کنم به حقت و
قدست و بزرگترین صفات و نامہایت کہ همه اوقاتم را از شب و روز به یادت
آباد کنی و بہ خدمت گزاریت پیوستہ بداری ...

وَ اَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُوْلَةً حَتَّى تَكُوْنَ اَعْمَالِي وَ اَوْرَادِي كُلُّهَا وَرِدًا وَّ اِحْدًا وَ حَالِي فِي
خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا يَا سَيِّدِيَّ يَا مَنْ عَلَيْهِ مُعْوَلِي يَا مَنْ اِلَيْهِ شَكُوْتُ اَحْوَالِي يَا رَبِّ يَا رَبِّ
يَا رَبِّ قُوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي وَ اَشْدُدْ عَلَيَّ الْعَزِيْمَةَ جَوَانِحِي وَ هَبْ لِي الْجِدَّ فِي
خَشِيَّتِكَ وَ الدَّوَامَ فِي الْاِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ حَتَّى اَسْرَحَ اِلَيْكَ فِي مَيَادِينِ السَّابِقِيْنَ ...



و اعمالم را در پیشگاهت قبول فرمایی تا آنکه اعمال و او را دم هماهنگ، همسو و همواره باشد و حالم در خدمت تو پاینده گردد، ای سرور من، ای آنکه بر او تکیه دارم، ای آنکه شکوه حالم را تنها به سوی او برم، ای پروردگارم، ای پروردگارم، ای پروردگارم اعضایم را در راه خدمت نیرو بخش و دلم را بر عزم و همت محکم کن، و کوشش در راستای پروایت و دوام در پیوستن به خدمتت را به من ارزانی دار تا به سویت برانم در میدان های پیشتازان ...

وَأَسْرِعِ إِلَيْكَ فِي الْبَارِزِينَ وَاشْتاقِ إِلَى قُرْبِكَ فِي الْمُشْتاقِينَ وَأَدْنُومِنِكَ دُنُو الْمُخْلِصِينَ
وَإِخافَكَ مَخافَةَ الْمُوقِنِينَ وَاجْتَمَعَ فِي جِوارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ اللَّهُمَّ وَمَنْ أَرادَنِي بِسُوءٍ
فَأَرِدُهُ وَمَنْ كادَنِي فَكِدُهُ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبِيدِكَ نَصيباً عِنْدَكَ وَأَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً
مِنَكَ وَأَخْصِهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ فَإِنَّهُ لَا يُنالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ وَجُدْ لِي بِجُودِكَ وَأَعْطِفْ عَلَيَّ
بِمَجْدِكَ ...

و به سویت بشتابم در میان شتابندگان و به کوی قربت آیم در میان مشتاقان
و همانند مخلصان به تو نزدیک شوم و چون یقین آوردگان از جاه تو بهراسم



و با اهل ایمان در جوارت گرد آیم. خدایا! هرکس مرا به بدی قصد کند تو قصدش کن، و هرکس با من مکر ورزد تو با او مکر کن، و مرا از بهره مندترین بندگانت نزد خود، و نزدیک ترینشان در منزلت به تو و مخصوص ترینشان در رتبه به پیشگاهت بگردان، زیرا این همه به دست نیاید جز به فضل تو، خدایا! با جودت به من جود کن و با بزرگواریت به من نظر کن ...

وَاحْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ وَاجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجًا وَقَلْبِي بِحُبِّكَ مُتَيَّمًا وَمَنْ عَلَيَّ بِحُسْنِ
إِجَابَتِكَ وَأَقْلُنِي عَثْرَتِي وَاغْفِرْ زَلَّتِي فَإِنَّكَ قَضَيْتَ عَلَيَّ عِبَادَتِكَ بِعِبَادَتِكَ وَأَمَرْتَهُمْ
بِدُعَائِكَ وَضَمِنْتَ لَهُمُ الْأُجَابَةَ فَالْيَا رَبِّ نَصَبْتُ وَجْهِي وَالْيَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي
فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي وَبَلِّغْنِي مُنَايَ وَلَا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجَائِي وَاكْفِنِي شَرَّ
الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنَ أَعْدَائِي ...

و با رحمتت مرا نگاه دار و زبانم را به ذکر تو گویا کن، و دلم را به محبتت شیفته و شیدا فرا و بر من منت گذار با پاسخ نیکویت و لغزشم را نادیده انگار و گناهم را ببخش، زیرا تو بندگانت را به بندگی فرمان دادی و به دعا و درخواست از



خود امر کردی و اجابت دعا را برای آنان ضامن شدی، پس ای پروردگار من تنها روی به سوی تو داشتم و دستم را تنها به جانب تو دراز کردم، پس تو را به عزّت سوگند می‌دهم که دعایم را اجابت کنی و مرا به آرزویم برسانی، و امیدم را از فضلت ناامید نکنی، و شرّ دشمنانم را از پیری و آدمی از من کفایت کنی...

يَا سَرِيعَ الرِّضَاِ اغْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ اِلَّا الدُّعَاءُ فَاِنَّكَ فَعَالٌ لِّمَا تَشَاءُ يَا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ وَ ذِكْرُهُ شِفَاءٌ وَ طَاعَتُهُ غِنَى اِرْحَمْ مَنْ رَأْسِ مَالِهِ الرَّجَاءُ وَ سِلَاحُهُ الْبُكَاءُ يَا سَابِغَ النِّعَمِ يَا دَافِعَ النِّقَمِ يَا نُورَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلَمِ يَا عَالِمًا لَا يُعَلَّمُ صَلَّى عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَصَلَّى اللهُ عَلَى رَسُوْلِهِ وَالأَيْمَةَ المُيَامِينَ مِنْ اِلهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيْرًا...

ای خدایی که زود از بندهات خشنود می‌شوی، بیامرزان را که جز دعا چیزی ندارد، همانا تو هرچه بخواهی انجام می‌دهی، ای آنکه نامش دوا و یادش شفا و طاعتش توانگری است، رحم کن به کسی که سرمایه‌اش امید و



سازوبرگش اشك ریزان است، ای فروریزنده نعمت‌های دورکننده بلاها، ای
روشنی‌بخش و حشت‌زدگان در تاریکی‌ها، ای دانای ناآموخته بر محمد و
خاندان محمد درود فرست، و با من چنان کن تو را شاید، و درود و سلام
فراوان خدا بر پیامبرش و بر امامان خجسته از خاندانش ...



در تلگرام نیز، همراه ما باشید

عضویت